

تغییر توازن نیروها - آرزوی امریکا، که هرگز تحقق پذیر نیست

امام خمینی: هر کس از افراد ملت، اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت وارد بشود...
آنها را می پذیریم

ساده اندیشی است که ماگمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طور که می خواهند باشند، باید بیایند و ما از شان استفاده کنیم.

امام خمینی از جمله گفتند: «... ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است و علم میزان است. علم الهی هم میزان نیست، علم توحید هم میزان نیست. علم فقه بقیه در صفحه ۴»

آخر، با وقاحتی بیش از هر وقت دیگر، اظهار نظر کرده اند و حتی بطور مشخص سخن از احتمال (و گاه از ضرورت) امین-گذاری آبهای جنوبی ایران، اشغال جزایر سه گانه تنبها و ابوموسی در دهانه آبراه هرمز، تصرف جزیره خارک و... را به میان کشیده اند، ظاهراً بعنوان وسیله ترساندن جمهوری اسلامی ایران (که میدانند عیب است) ولی باطناً به دو منظور: اولاً آماده کردن روحیه مردم جهان سرمایه داری (ضمن تبیین آنها) تا اقدام نظامی امریکا علیه ایران را امکان پذیر تلقی کنند و آنرا بقیه در صفحه ۴

در این روزها امریکا، ضمن تهدید به اقدام نظامی مستقیم علیه ایران و تدارک این اقدام نظامی، تمام امکانات خود را بکار گرفته، تا در داخل ایران، همه نیروهای ضد انقلابی بالقوه را بسیج کند، تا شاید بتواند با يك عمل هم آنگ داخلی و خارجی، انقلاب ایران را بشکند و به مقصود خود بازگشتن ایران - دست یابد. در مورد ایراد ضربه نظامی از خارج، سخنگویان امپریالیسم هار امریکا (از ریگان و داروسته دولت جدیدش گرفته تا باصلاح ناظران و مفسران سیاسی در دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم) در روزهای



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۵
شنبه ۲۰ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

واقعیتی که بارها
به آزمایش
در آمده است

تجهیز پاسداران انقلاب، تجهیز انقلاب در مقابل توطئه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب است

اکنون که قریب به ۴ ماه از یورش سفاکانه ارتش صدام حسین بر زمین انقلابی ما میگذرد، هیچکس در این واقعیت تردید ندارد که توطئه ششم امپریالیسم امریکا را، که بدست داروسته صدام حسین عملی گشت و هدف آن انهدام انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود، خلق انقلابی و فرزندان مسلح جانبازش عقیم گذارند. در این حماسه و مت، نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران، نقش نمایان و برجستهای داشتند و علیرغم کاستیها و نارسائیهایی که در میزان آمادگی، تجهیزات و سازماندهی آنها وجود داشت و علیرغم وجود کورشنکی - هایی که ممانعت مسئول نیز بر آنها تکید داشتند و تمامی اینها نقش مهمی در تحریک ماجراجویی چنانیکاران صدام حسین داشتند. با ایثار و فداکاری بیمانند، طرح امپریالیسم امریکا و رژیم چنانیکار صدام را در پیشروی سریع، تسخیر خوزستان و تبدیل آن به پایگاهی برای یورش گسترده تر علیه انقلاب ایران، به شکست کشانند.

در ادامه هجوم نیروهای انقلاب به متجاوزین:

نیروهای انقلاب مواضع دشمن را در گیلانغرب، از زمین و هوا زیر آتش گرفتند

دشمن در این منطقه ۴ کیلومتر مجبور به عقب نشینی شده.
در جبهه های جنوب، دشمن متحمل ضربات دیگری شد.
نیروهای انقلاب در ادامه یورش خود به دشمن متجاوز ضربات جدیدی بر آنها وارد آوردند و به پیشرفتهای دیگری دست یافتند.
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه ۳۶۸ خود قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را در روز ۱۸ دی، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: ۱- در جاده ماهشهر - آبادان با اجرای آتش موثر بر مواضع نیروهای صدام مزدور ۴ دستگاه تانک، ۶ دستگاه خودرو، یک قبضه توپ ضد هوایی و ۴ سنکر دشمن منهدم شد و حدود ۴۸ تن از نفرات دشمن به هلاکت رسیدند. ۲- رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده دارخوین - مارد ۲ قبضه توپ خمسه خمسه، ۳ سنکر تانک و یک دستگاه خودروی دشمن را به آتش کشیدند و تعداد ۵ تن از افراد ارتش عراق را بهلاکت رساندند. ۳- با مداد دیروز یک فروند هلی کوپتر هوا - نیروی مورد حمله ۲ فروند میگ عراقی قرار گرفت که به ملخ هلی کوپتر آسیب وارد شد و هر دو خلبان نیز پرواز هلی کوپتر سالم هستند. ۴- در منطقه هواز برای تیراندازی تویخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران محل استقرار سکوی پرتاب موشک ارتش عراق منهدم و ۲ دستگاه کامیون حامل مهمات موشک طعمه حریق شد. همچنین در یکی از جبهه های جنوب یک سنکر توپ ۲۳ میلیمتری دشمن بکلی نابود شد. ۵- نبرد در جبهه های کرخه با تبادل آتش ادامه دارد. در این جبهه ۲ تن از هوپلطان غیر نظامی شهید شدند و یک تن دیگر نیز

«پرسش و پاسخ»
نورالدین کیانوری
دربار توطئه های جدید و خطرناک
امپریالیسم امریکا باید بیش از پیش
هشیار و متحد بود!
صفحه ۴

در صفحات بعد
زندگی نوین در کامپوچیا
صفحه ۸
خلق السالوادور در راه آزاد کردن
خود از اسارت امپریالیسم امریکا
به پیش می رود
صفحه ۶
شگرد فتودالها برای جلوگیری از
اجرای قانون اصلاحات ارضی
چیست؟
صفحه ۵
کارگران موزائیک کار بوته پر:
تا آخر با امریکا مبارزه می کنیم
صفحه ۴

خواب کن، حمله نظامی کن!

باردیگر حربه زنگ زده امپریالیسم امریکا بکار افتاده است. در همان حال که امپریالیسم امریکا آشکارا به ایران جنگ و دندان تشارن میدهد و مقامات مسئول کشور خیر از تدارک حمله مستقیم نظامی امریکا به ایران میدهند، امپریالیسم امریکا برای منحرف کردن نظر مردم از خطر اصلی، باردیگر خطر موهوم «شوروی» را تبلیغ می کند. این همان سیاست قدیمی «خواب کن، کودتاکن» است، که حالا بصورت «خواب کن، حمله نظامی کن»، به سناریوی روز محافل امپریالیستی تبدیل شده است. کسانی هم در ایران - دانسته و ندانسته - به اجرای این سناریو کمک می کنند:

فرمان از ستاد مرکزی امپریالیسم
ایران یک همسایه شمالی (شوروی) دارد، که بیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است.
(برژینسکی - اطلاعات - ۸ دیماه ۱۳۵۹)

اجرا توسط مزدوران
دار آذربایجان گزارش میرسد که روسها دست به نقل و انتقال نگران کننده نیروهای خود در مرز ایران زده اند و طی روزهای اخیر لشکرهای تازه ارتش سرخ را در اطراف مرزهای ایران مستقر کرده اند. این گزارشها حاکی است که هواپیمای شوروی چندین بار وارد آسمان ایران شده و ماموریتهای جاسوسی انجام داده اند. ارتش شوروی همچنین پل های فلزی بر روی رود مرزی ارس نصب کرده است.
(رادویو بختیار - شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۹)
در روسیه در مرزهای ما: هواپیمای جاسوسی میفرستند، راهها را باز میکنند، پل فلزی میزنند، رفت و آمدهای مشکوک انجام میدهند، دستجات وابسته را سازمان میدهد... دولت جمهوری اسلامی باید با جدیت این امور را مورد تعقیب قرار دهد و به طور مستقیم و در مجامع بین المللی دست به افشاکاری و اعتراض بزند و مردم استقلال خواه و عمیقاً مین - دوست ما را برای دفاع بسیج نماید. سکوت در برابر این توطئه ها خیانت است...
(«رنجبر» - ارگان گروهک آمریکاییکن ساخته، «رنجبران» - ۱۴ دیماه ۵۹)

چه کسانی به کمک می آیند
«شوروی بدین خیال که به مرور و با جنگ فرسایشی میتوانند خوابهای گذشته خویش را تحقق بخشد و به آبهای گرم دسترسی پیدا کند، با ادامه جنگ موافق است و بدان دامن میزند».
(میزان - شماره ۴۹)
در نظر اول چنین مشهود است که جنگ ایران و بقیه در صفحه ۴

رای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تغییر توازن...

بقیه از صفحه ۱

بپذیرند. و ثانیاً به ضد انقلاب «ایرانی»، بهویژه در داخل ایران، دل دهند، تساهل و جسورتر عمل کنند.

در مورد بسیج نیروهای ضدانقلابی داخل ایران، مشهود است که آمریکا در این اواخر، همه امکانات خود را برای استفاده از همه نیروهایی که، بنحوی از انحاء، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، نمیخواهند یا نمی‌توانند با انقلاب همگام باشند و برای راندن همه نیروهای قابل راندن به جبهه ضدانقلاب، مورد بهره‌برداری قرار داده تا سه‌نوشته روزنامه «تایمز» لندن - «توازن نیروها» را در داخل ایران بسود جبهه ضدانقلاب و بهزیان جبهه انقلاب، «تغییر» دهد.

بدینسان، نقشه آمریکا برای شکستن انقلاب ایران روشن است و دوطرف‌داری: از یکسو تغییر دادن «توازن نیروها» در داخل ایران بسود ضدانقلاب، و ازسوی دیگر ایراد ضربه نظامی از خارج. این نقشه بطور کلی تازگی ندارد، ولی بطور مشخص تازگی آن در اینستکه، علناً اعلام میشود، آنهم بدلیل اینکه آمریکا چاره‌ای نمی‌بیند، جز آنکه «به‌سبب آخر» بزند.

نقشه بطور کلی تازگی ندارد. ار همان فردای پیروزی انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران، حتی قبل از آن، در آنهنگام که انقلاب سرعت نضج می‌گرفت، آمریکا کوشید که از یکسو با بکار بستن انواع شیوه‌ها، آرایش قوا، یا «توازن نیروها» را بسود ضدانقلاب «تغییر» دهد، و ازسوی دیگر به تدارک نظامی پرداخت، تا اگر نتواند (قبل از پیروزی انقلاب) حرکت انقلاب را از «بستر» خود خارج کند، و یا (بعد از پیروزی انقلاب) آنرا مسخ کند و با ایراد ضربه نظامی آنرا بشکند. از روی همین نقشه کلی بود که قبل از پیروزی انقلاب، آمریکا برای «تغییر توازن نیروها» بسود ضدانقلاب، وعده «فضای باز سیاسی» را مطرح کرد، «مرغ طوفان» یا «سوسیال-دموکراسی» اش، را بر روی صحنه آورد و ضمناً بنابه اعترافات سولیوان، سفیر سابق آمریکا در ایران، در کنار تدارک ایراد ضربه نظامی سمورت کودتای خونین بود، بعد از پیروزی انقلاب نیز - چنانکه

بیدانیم - نقشه آمریکا برای درهم‌شکستن انقلاب ایران همیشه دوطرف داشته است: از یکسو کوشیده است با کارشکنی‌ها توسط ضدانقلاب متشکل، با استفاده از سازشکاری بورژوازی لیبرال ایران، با ایجاد بلواها و شورشهای ضدانقلابی، با ایجاد دشواریهای اقتصادی و مالی، از طریق محاصره اقتصادی و بلوکه کردن دارائی‌های ایران در خارج، برای دامن زدن به بیبکری و تورم و گرانی و ایجاد نارضافی، با تبلیغات شان‌گسیخته علیه انقلاب ایران و ... «توازن نیروها» را بسود ضدانقلاب در داخل ایران «تغییر» دهد؛ و ازسوی دیگر همواره درصدد برآمده است که با اقدام نظامی سمورت‌های گوناگون، تهاجم ماجراجویانه «مسی طیس» کودتای نظامی ۱۸ تیرماه و باآخره حمله گسترده ناگهانی داروسته «سدم»، انقلاب ایران را بشکند و جمهوری

اسلامی ایران را براندازد. پس نقشه آمریکا، که اخیراً اعلام شده و مشتمل بر «تغییر توازن نیروها» در داخل ایران بسود ضدانقلاب و ایراد ضربه نظامی مستقیم از خارج است، بطور کلی تازگی ندارد. ولی تازگی آن بطور مشخص در اینستکه، در داخل ایران، آمریکا تمام «ذخائر» ضدانقلابی خود را بکار گرفته، تا «توازن نیروها» را بسود ضدانقلاب برهم زند، و از خارج نیز ضربه نظامی باید بصورت یک حمله مستقیم نظامی آمریکائی (و یا یک حمله گسترده نظامی توسط دولتهای دست‌نشانده منطقه‌ای) انجام گیرد. شکست این نقشه در خود آن مستتر است، زیرا این نقشه وقتی تحقق‌پذیر است که در دو عرصه، هم در داخل و هم در عرصه منطقه‌ای (و دقیق‌تر، در عرصه بین-المللی) «توازن نیروها» بسود آمریکا تغییر کند، که هر دو را آمریکا میتواند آرزو کند و میتواند در راه رسیدن به آنها بکوشد و خود را به آب و آتش بزند، ولی هیچیک از آنها را نمی‌تواند تحقق بخشد.

«تغییر توازن نیروها» بسود ضدانقلاب، در داخل ایران، امکان‌پذیر نیست، زیرا انقلاب بطور کلی در ایران ربه تعمیق است. تعمیق انقلاب، یعنی تصرف تدریجی مواضع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته و زمین‌داری بزرگ و نیز تصرف مواضع بورژوازی لیبرال سازشکار ایران، که دیگر خود را بصورت «جبهه صاف‌گن» ضدانقلاب آمریکا معرفی کرده‌است و در نتیجه، دیگر نمی‌تواند نقش «پل» میان انقلاب و ضدانقلاب را ایفاء کند. همین تعمیق انقلاب باعث شده که ضدانقلاب به‌جنبه‌جوش بیشتری بیفتد، یعنی جنب و جوش ضدانقلاب، نه نشانه قدرت ضدانقلاب، بلکه نشانه ضعف بیشتر آنست. یعنی «توازن نیروها» - بسود ضدانقلاب، بلکه بسود انقلاب همواره در «تغییر» است و نه برعکس، یعنی توده‌های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان شهر و ده همواره باصغوف فشرده‌تر و اراده‌مستحکم‌تری در جبهه انقلاب قرار می‌گیرند و نه برعکس. یعنی جبهه ضدانقلاب بدلیل احساس فرارسیدن روزشکست قطعی و نهائی خود، فعالت و هارتز شده است و نه برعکس. یعنی آرزو و تلاش آمریکا برای تغییر «توازن قوا» بسود ضدانقلاب، آرزو و تلاش عیبی است.

«توازن نیروها» در منطقه (دقیق‌تر، در عرصه بین‌المللی) نیز دیگر هرگز بسود آمریکا (امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا) «تغییر» نخواهد کرد. البته جناح‌های جنگ‌طلب و جنگ‌افروز امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، میتوانند تشنج بیافرینند، میتوانند مسابقه تسلیحاتی را دامن زند، میتوانند میلیاردها پیر میلیاردها دلار به بودجه نظامی بیافزایند، میتوانند برای راندن مجدد جهان به دوران «جنگ سرد» تلاش کنند، ولی هرگز نخواهد توانست «توازن نیروها» را بسود خود «تغییر» دهد. «توازن نیروها»، که بعد از جنگ دوم جهانی بمدت نزدیک به ۲۰ سال بسود امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، بود بتدریج به‌زیان امپریالیسم تغییر کرد، بدلیل اینکه از یکسو کشورهای سوسیالیستی، و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، پس از ترمیم خرابیهای جنگ،

در راه رشد موزون و سریع ویی بحران خود گام نهادند و در این راه شتابان به پیش رفتند؛ جنبشها و انقلابهای آزادی‌بخش ضد امپریالیستی گسترش یافتند؛ دهها کشور زنجیر اسارت استعماری را گسستند و در راه رشد مستقل گام نهادند؛ جنبشهای کارگری در سراسر جهان سرمایه‌داری توسعه بی‌سابقه یافتند و کراتر به دژ سرمایه انحصاری امپریالیستی یورش بردند. این روند رشد توانائی روزافزون جبهه ضد امپریالیستی جهانی همواره با شتاب بیشتری جریان دارد. و ازسوی دیگر، سرمایه‌داری امپریالیستی، پس از مدت کوتاهی که بعد از جنگ «لترائی‌خواند»، پا به مرحله سوم بحران عمومی مزمخ خود نهاد، که هر روز عمیق‌تر شد و عمیق‌تر میشود و مظاهر آن در بیکاری میلیونها زحمتکش، در تورم روزافزون، در گرانی کمر شکن بسیاری زحمتکشان، در نیازمندیهای روزافزون مسکن، بهداشت، آموزش و غیره - که در سرمایه‌داری امپریالیستی برآورده‌شدنی نیست - در گنداب عفن سیاست دولتهای امپریالیستی، در «حقوق بشر» نوع آمریکائی، در نظامیگری افسارگسیخته، در جنگ‌افروزی - های ددمشسانه، در چهره فاشیستی «دموکراسی» غربی، بویژه آمریکائی، در انحطاط بی‌سابقه اخلاقی، در افزایش حیرت‌انگیز جنایتکاران و جنایتکاری و ... مشهود است. «توازن نیروها» بنحوی بی‌برکت و برای همیشه بزین امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، «تغییر» کرده و هیچ تلاش مذبحخانه‌ای قادر به تغییر مجدد آن بعقب نیست.

پس نقشه آمریکا بر مبنای دو آرزو طرح شده: یکی «تغییر توازن نیروها» در داخل ایران و یکی «تغییر توازن نیروها» در خارج از ایران، که هیچکدام امکان‌پذیر نیست.

ولی آیا، با این وجود، میتوان خطر آمریکا را منقسی دانست؟ نه، نمیتوان! تجربه، بویژه در دوران اخیر، نشان داده است که ماجراجویی همواره بیشتر به «خط» مسلط در سیاست امپریالیسم آمریکا بدل شده است؛ یعنی آمریکا معمولاً آرزوهای خود را بجای واقعیت میکندارد خود را به آب و آتش میزند، به سبب آخر می‌زند و مذبحخانه به تلاش برمیخیزد، تا «آب رفته را بجوی پارگرداند». لذا ما باید آماده باشیم، همه‌جانبه آماده باشیم، بدون کمترین تعلل و مسامحه، بدون کمترین فوت وقت، چنان آماده شویم و آماده باشیم که اگر آمریکای جنایتکار دست خود را بروی ما بلند کرد، دست او را، فرود نیامده، بشکنیم. و اگر چنین آماده شویم و آماده باشیم، چه‌بسا آمریکا جرات نکند که دست‌بروی ما بلند کند؛ بخود بیچد، کف‌بردهان آورد، چون بلنگ زخم‌خورده بفرد و جنگ و دندان نشان دهد، ولی نتواند حمله‌ور شود.

در حال، ما باید چنان آماد باشیم که امپریالیسم هار و جنایتکار آمریکا یا جرات نکند بر ما جنگ‌اندازد، و یا اگر انداخت، چنگالش شکسته شود، و چنان دردآور شکسته‌شده، که بگونه بعد از ویتنام، بمدت درازی، خود چنگال شکسته خود را از شدت درد و خشم بجود.

مجمع عمومی کادر آموزشی و اداری دانشگاه صنعتی شریف

توطئه گروهای ضد انقلابی علیه «جهاد دانشگاهی» را محکوم کرد

در قلمنامه همچنین آمده است:

«مجمع خواستار رسیدگی فوری به امور وابستگان رژیم سابق و افرادی که در جهت مخالفت با انقلاب اسلامی توطئه نموده و به لاف‌آلودگی همکاری را از خدمت به انقلاب و میهن باز داشته‌اند بوده و خواستار طرد هر چه سریعتر این افراد از جامعه دانشگاهی می‌باشد.

مجمع لزوم مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان را در امر برنامه‌ریزی و بازسازی صنایع حیاتی مملکت مورد تأیید قرارداده، از ریاست دانشگاه می‌خواهد در چهارچوب مصوبات قانونی نسبت به صدور احکام کادر آموزشی در سازمانها و ارگانهای مورد نیاز مملکت اقدام نماید.»

بدینال اعتنا شایسته است که دانشگاه صنعتی شریف ازسوی گروههای متشکل و ضدانقلابی علیه «جهاد دانشگاهی» این دانشگاه، و در جهت زمینه‌سازی برای درگیری و تشنج در تمامی دانشگاههای ایران، مجمع عمومی کادر آموزشی و اداری این دانشگاه، جلسه‌ای در تاریخ ۱۸ آذر ۵۹ تشکیل داد و با صدور قلمنامه‌ای، این فعالیتهای محرب را محکوم کرد.

قلمنامه (رجمله خاطر نشان می‌سازد:

«مجمع عمومی مخالفت با جهاد دانشگاهی را نمونه‌ای از توطئه‌های آشکار و پنهان به تحریک گروهکهای ضدانقلاب بر علیه ارگانهای انقلابی می‌داند و توطئه‌های تفرقه‌افکنانه‌ای را که در این زمان سرنویشت‌ساز درگوشه و کنار مملکت تدارک دیده می‌شود، محکوم می‌کند.»

متحد... بايست گشتن

آنکه خواهد نوجوان را لاله‌گون پیکر بسازد همسران را بیوه غمگین بی شوهر بسازد کودکان بی‌کنه را دور از مادر بسازد

آنکه خواهد خاک ما را جز غبار غم نبیند تا ز دشتستان خونین لاله نوری بچیند بعد قتل‌عام ما برمسند قدرت نشیند

آنکه خواهد خاک ایران را به‌ویرانی کشاند چهل و فقر و رنج را در میهن ما درنشانند تا سندان بخت را برجان ما خوشتر براند

آنکه خواهد تا ز تاراج غنائم زنده باشد خودکند آقائی و ملت بی‌پایش بنده باشد پای او بر فرق ما، سر از تن ما کنده باشد:

حاضر رزم چنین خصمی به‌جهد بايست گشتن بر هجومش بی‌درنگی متحد بايست گشتن ع. کیلانپور

«باند قاسملو» ساواکیها را برای همکاری علیه انقلاب می‌پذیرد

است. نامبرده بعد از انقلاب، توسط «حزب دمکرات کردستان» دستگیر میشود، ولی بعد از سه ماه موفق به فرار می‌گردد. علی بهرامی بعد از فرار، با تعدادی از بستگانش در استان سیاه پاداران مستقر در «دای خدمت در کمیته، معرفی میکند. وی بعد از دو ماه فعالیت در کمیته در تاریخ ۱۳۰۳/۵/۵، به همراه ۱۳ تن از همراهان، مخفیانه از کمیته فرار میکند و به «باند قاسملو» ملحق میشود، که البته با استقبال گرم «باند قاسملو» مواجه می‌گردد.

«علی بهرامی» مشهور به «علی‌خان بگ»، که مشخصات وی به‌عنوان ساواکی از طرف سپاه پاسداران و «دوگاه انقلاب» سندی منتشر شده است، اخیراً به «باند قاسملو» پیوسته است، تا در عملیات ضدانقلابی و خرابکاری با آنان همکاری کند.

علی بهرامی، که از طایفه نژادالهای «بهرامی» است، در رژیم طاغوت، مسئولیت نظامی مزدوران محلی را برعهده داشته

خواب‌کن...

بقیه از صفحه ۱

عراق یک فرصت طلایی برای اتحاد شوروی فراهم آورده است. شوروی‌ها در حال حاضر تنها نیروی خارجی با قدرت هستند که در این منطقه از جهان برای دخالت در جنگ یا میانجیگری از پیش حاضر و مهیا گردیده‌اند. اگر فقط یکبار روسیه شوروی فرصتی برای ابتکار عمل داشته باشد، اکنون در خلیج فارس است. (همانجا)

درستی بیش از یک قرن و نیم از معاهده‌های ننگین ترکمن‌چی و گلستان میگذرد، بحرانی که در آن موقع در ایران بود، باعث از بین رفتن شیرازه‌هایی گشت که تمامیت ارضی کشور را حفظ میکرد. هجوم سازمان‌یافته قدرتهای شرق و غرب به ایران، ایرانی را از فکر و خلاقیت بازداشت و شد آنچه که شد، و از معاتک محروسه ایران نیمی بیش باقی نماند. درباره جمهوری‌های اسلامی شوروی، که در زیر لوای کفر دست و پا می‌زنند، باید کاری کنیم.

(از سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی ۸ دیماه ۱۳۵۹ - صفحه ۲، که با جمله «بدین امید» پایان می‌یابد)

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

و فلسفه هم‌میزان نیست، هیچ علمی میزان نیست. آن علمی میزان است و آن علمی برای پیش سعادت است که تربیت در او باشد... ساده‌اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طوری که می‌خواهند باشند باید بیایند و ما از شان استفاده کنیم. استفاده نمی‌توانیم بکنیم... اگر علم باشد و ترکیه نباشد همان رژیم سابق پیش می‌آید و همین رژیم صدام. امام در پایان سخنان خود خاطر نشان کردند:

«من اعلام می‌کنم که هر کس از افراد ملت ما اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت ما وارد بشود مثل سایر افرادی که هستند، آنها در پناه اسلام محفوظ هستند ولی ما اینقدر ساده‌اندیش نیستیم که کسانی که اسلحه دارند و افاق جنگ دارند، آنها را هم وارد بکنیم در بین کشور خودمان و شغل به آنها بدهیم و معلمشان کنیم و یا در وزارتخانه‌ها ببریم. اسلحه داشتن دلیل بر خیانت است و توطئه... هر کس از این جناحهای داخلی که تاحالا شرارت کردند و مشغول شرارتند، دست بردارند و اسلحه‌ها را کنار بگذارند، و در دامن ملت وارد بشوند، آنها را می‌پذیریم.»

درباره توطئه‌های جدید و خطر ناک امپریالیسم آمریکا باید پیش از پیش هشدار و متحد بود!

نورالدین کیانوری
پیشرو
و یاسخ



- از متخصصین، به شرط آن که علیه انقلاب اقدام نکنند، با نظارت دقیق مسئولان مؤمن به انقلاب بر فعالیت اجرایی آن‌ها، می‌توان استفاده کرد
- در شرایط کنونی که سرمایه داران بخش خصوصی، کارگران را استثمار می‌کنند، شعار ضرورت افزایش تولید از نظر اصولی چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟
- آیا امکان گشایش جبهه جنگ تازه‌ای از سوی امپریالیسم تجاوزکار آمریکا علیه ایران وجود دارد؟
- باز هم درباره مسئله چگونگی موضع گیری‌های طبقاتی

سرنوشت انقلاب بیمناک شده‌اند. در این تردیدی نیست. ماحثی درگفته‌های شخصیت‌های برجسته جمهوری اسلامی نیز این نگرانی را احساس می‌کنیم و می‌بینیم. آثار توطئه امپریالیسم کاملاً دیده می‌شود، تدارکات برای توطئه‌های تازه هم کاملاً دیده و حس می‌شود. اطلاعات دقیقی می‌رسد در باره این که ضد انقلاب خیلی فعال شده، خیلی جسور شده، خیلی با بی‌شرمی عمل می‌کند. امپریالیسم هم از مرحله گول زدن و شیرینی نشان دادن به مرحله نشان دادن دندان تیز زهرآلود خود قدم گذاشته است و تهدیدات خیلی جدی می‌کند. خوب این نگرانی هست.

از طرف دیگر، اختلافاتی که در مقامات بالای جمهوری اسلامی وجود دارد، یعنی به‌طور روشن در بین آقای رئیس‌جمهور از یک‌سو و هیات دولت و اکثریت مجلس از سوی دیگر اختلافات خیلی جدی و عمیق وجود دارد. با وجود رهنمودها و هشدارهای مکرر امام برای این‌که نامبرداران این اختلافات را کنار بگذارند و همه در جهت تقاضای قدم بردارند، ما می‌بینیم که هیچ‌اثری از حتی تخفیف این اختلافات به چشم نمی‌خورد. بنابراین این نگرانی به‌جاست. ولی آیا این نگرانی تا این حد است که ما نسبت به سرنوشت انقلاب جدا نگران باشیم؟ سؤال کننده مدعی است که ارتش در خط امام نیست. ما چنین عقیده‌ای را نداریم و نمی‌توانیم یا چنین قاطعیتی بگیریم که ارتش در خط امام نیست. واقعیت مسلم این است که در داخل ارتش عناصری هستند که در خط امام نیستند. این عناصر ممکن است که حتی مسئولیت‌های مهمی هم داشته باشند، در کار فرماندهی ارتش و در میان افسران، تمایلات لیبرالی و حتی تمایلات منفی تراز تمایلات لیبرالی وجود دارد و این واقعیتی است که می‌شود آن را منکر شد. همین که نماینده امام در شورای عالی دفاع، حجت‌الاسلام خامنه‌ای، بطور صریح گفته است، که خیانت‌ها وجود دارد، کم‌کاری‌ها وجود دارد، سستی‌ها وجود دارد و مقداری از آن‌ها ممکن است که حتی آگاهانه هم باشد، خوب این نشان می‌دهد که این عامل منفی هست.

ولی این‌که این عامل به عامل تعیین کننده تبدیل شده است، ارتش یکجا در دست این‌گونه عناصر است و می‌تواند در جهت هدف‌های آنها وارد عمل شود و آنقدر انجم دارد که بتواند نیروهای مقاومت را متشکل از مردم و پاسداران را که الان وجود دارند قطع و قطع کند، ما با چنین دبدی، با چنین ارزیابی موافق نیستیم. ما معتقد هستیم که با وجود چنین عناصری در ارتش یا در یک‌سوی مینی از ارتش در مجموع خود به‌هیچ وجه در راه مخالف خط امام نیست، بلکه اگر سربازها، درجه‌داران و افسران را در مجموع خود به عنوان ارتش قضاوت کنیم، ما معتقد هستیم که حتماً چنین چیزی نیست، معنی است که این‌جا و با آن‌جا گروه‌های معینی بتوانند به اقدامات ماجراجویانه‌ای دست بزنند، ولی به این که ارتش در «مجموع» در جهت مخالف خط امام وارد یک عمل ماجراجویانه ضد انقلابی بشود، به نظر ما چنین امکانی وجود ندارد. به نظر ما نیروهای ارتش جمهوری اسلامی و انقلاب آن قدر که این برادرشکوال‌کننده نگران است، ضعیف نیستند.

در همین هفته‌های اخیر دو تظاهرات، یکی در روز عاشورا و دیگری در روز اربعین انجام شد، که قدرت وسیع خلق را نشان داد. خیلی‌ها این‌طور می‌خواستند وانمود کنند که تظاهرات روز عاشورا در واقع تظاهرات نیروهای بوده است که در جهت مخالف خط امام قرار داشتند. یعنی همه هوادار محتوای همان سخنرانی بودند که در روز عاشورا انجام گرفت. جریان اربعین نشان داد که این درست نیست. درست است که مقداری از نیروهای که در روز عاشورا شرکت داشتند و در جهت معینی به آن رنگ دادند در جریان اربعین شرکت نکردند. ولی جریان جمع اربعین نشان داد که آن حساب روز عاشورا، حساب درستی نبوده است. مسلم این است که لااقل قسمت خیلی بزرگی از آن کسانی که در تظاهرات اربعین شرکت داشتند در تظاهرات روز عاشورا هم شرکت کردند و این‌طور نیست که دو نیروی کاملاً مخالف در تظاهرات نامبرده شرکت داشتند.

به این ترتیب ما معتقد هستیم در این حساب‌های درباره تناسب نیروها در داخل جامعه ایران، نباید گول بعضی تبلیغات را خورد. به نظر ما در داخل ایران، همان‌طور که من بارها گفته‌ام، نیروی کافی برای دفاع از انقلاب وجود دارد و بسیار هم قوی است. تغییراتی که در همین چندماه اخیر در سیاست مقامات حاکمه کشور پیدا شده است و نمونه‌های آن را در زمینه «سیاست خارجی و اقتصادی می‌بینیم». تغییرات جدی است که بدون داشتن یک پشتوانه بزرگ مردمی و خلقی نمی‌توانست انجام بگیرد. برای این که ما می‌دانیم که نیروهای مقاومت در مقابل این تصمیمات عم خلی با جسارت می‌خواهند جلوی چنین تصمیماتی را بگیرند ولی به آسانی برایشان ممکن نیست. به این ترتیب است که ما در این بدبینی این دوست مسلمان به هیچ وجه شریک نیستیم و معتقد هستیم که نیروهای انقلابی هوادار سمت‌گیری‌ها و هدف‌های عمده انقلاب ایران هنوز بسیار در کشور نیرومند هستند و می‌توانند جلوی هر توطئه‌ای را بگیرند. چنان‌که مقامات جمهوری اسلامی دچار ارزیابی‌های غلط و اشتباهات جدی نشوند چنین خطری متوجه انقلاب ما و جمهوری اسلامی نیست.

البته ممکن است درگیری‌های جدی پیدا شود، بحران‌هایی پیدا

مستقل مطرح است، آن وقت به اهمیت حیاتی بالا بردن تولید در شرایط فعلی می‌پردازیم.

مثالی بزنیم. کارگران انگلستان در دوران جنگ، هنگی در مقابل سرمایه‌داران قرار گرفته بودند. حتی نه این‌طور مثل ایران که ۷۰ درصد کارخانجات دولتی است و دولت هم در جهت جبهه ضد امپریالیستی تراز گرفته است. در مقابل انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری امپریالیستی. خوب حالا کارگران انگلستان در جنگ ضد فاشیسم، اگر به نفع این دوستان گریش می‌دادند، می‌باید کم‌کاری می‌کردند، اعتصاب می‌کردند، تولید را می‌خوابانند. و می‌گذاشتند فاشیست‌ها بیایند و کشور انگلستان را بگیرند و در تحلیل نهایی به سرمایه‌دار انگلیسی کمک کنند که سود خود را چند برابر کند!

این است که ما همیشه جهت عمده یک پدیده را بنیاد قضاوت برای تصمیم‌گیری‌های خود قرار می‌دهیم. ما می‌گوییم در این که تولید بیشتر در شرایط کنونی سود بیشتری را برای سرمایه‌دار ایجاد می‌کند، ولی یک جنبه مثبت بزرگتری هم دارد. آن، این‌که مقاومت ما را در برابر تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیسم افزایش می‌دهد.

این‌جا هست که طبقه کارگر ایران می‌باید به این کار تن دردهد در عین حال که به نظر ما طبقه کارگر ایران الان امکانات این را دارد که جلوی غارتگری‌های بزرگ سرمایه‌دارها را بگیرد. طبقه کارگر ایران می‌تواند در همان موسسات محدودی که هنوز در اختیار سرمایه‌داری هست، نتواند که این غارتگری سرمایه‌دار به آن حدی برسد که واقفا تمام سود اضافه تولید به حیب سرمایه‌دار برود. به این ترتیب به نظر ما این نساری که حزب داده، شعاری است که در جهت خط مشی تاکتیکی عمده ما است. برای تقویت جبهه ضد امپریالیستی، که یکی از عناصر مهم آن عبارت است از بالا بردن امکانات اقتصادی داخلی کشور، چه در مسئله کشت، چه در مسئله بالا بردن تولید، چه در مسئله بکار انداختن تمام امکانات برای تقویت مقاومت عمومی در مقابل امپریالیسم.

در این چارچوب است که ما باید مسائل را برای عناصر کمتر آگاه، برای عناصری که گمراه شده‌اند، توضیح بدهیم. و از این هم نترسیم که وقتی ما شعار صحیحی می‌دهیم، این شعار صحیح را مدت‌های طولانی حتی نیروهای که این شعار به نفع آن‌ها است و با تمام موجودیت آن‌ها بستگی دارند، نپذیرند. دوستان برای این مسئله همیشه یک شعار را مثال می‌زنم. چند سال است که این شعار در دنیا هست که «کارگران همه کشورها متحد شوید؟» الان ۱۳۳ - ۱۳۲ سال. ولی خوب هنوز همه کارگران همه کشورها متحد نشده‌اند. این عدم تحقق این شعار که دلیل عدم صحت آن نیست! یعنی ممکن است شما شعارهایی بدهید که کاملاً درست باشد و در یک دوران طولانی، همان کسانی که این شعار با تمام تاروپودشان، با زندگی آن‌ها، در ارتباط است آن‌را نپذیرند. «سپار درستی» شعارها حتماً این نیست که همه کارگرها بلافاصله این شعار را درک کنند. ما شعار را با درک مجموعه مسائل سیاسی انتخاب می‌کنیم. گروه‌های چپ‌گرای مردم فریب درست مخالف این عمل می‌کنند. برای کارهای انحرافی خود می‌روند آن چیزی را انتخاب می‌کنند که توده‌ها ممکن است خیلی ساده آن‌را بپذیرند ولی هدف این گروه‌ها عبارت است از تضعیف جمهوری اسلامی در مقاومتی که در مقابل امپریالیسم نشان می‌دهد. حزب واقعی طبقه کارگر چنین کاری نمی‌تواند بکند، نمی‌تواند طبقه کارگر را گول بزند و برای جلب موافقت آن‌ها در یک لحظه کوتاه مقاومت جمهوری اسلامی را تضعیف کند. امپریالیسم که قوی شد تمام هواداری طبقه کارگر از حزب ما هم نمی‌تواند ما را در مقاومت یاری کند. ما خوب می‌دانیم که به‌هنگام موفقیت کودتای ۲۸ مرداد حزب توده ایران در طبقه کارگر ایران نفوذ خیلی زیاد داشت. ولی با این همه، تسلط فاشیسم نظامی - امپریالیستی باعث نابودی تمام جبهه مقاومت شد.

از این رو هدف ما پیروزی ارزان و موقت نیست. کوشش ما باید این باشد که به کارگرانی که این مسائل برایشان مطرح می‌شود و مسلماً با حسن نیت هم مطرح می‌شود با حوصله توضیح بدهیم. از این هم نباید ناراحت شد که ممکن است فریبکاران به‌طور موقت «موفقیت»‌هایی به دست آورند و بعضی از کارگران موضع ما را درک نکنند. برد نهایی با طرفداران واقعی طبقه کارگر و مصالح آن است.

س: (از طرف یک برادر مسلمان) من در نشریات حزب شما خواندم که امکان گشودن جبهه‌های تازه‌ای از جنگ در برابر ایران از طرف آمریکا وجود دارد. من از این بیم دارم که هنوز که «سپاه جهش‌آزاده» به سلاح‌های سنگین نیست و ارتش هم در خط امام نیست و موج تفوقه‌های مردم هم از طرف برخی مسئولین مملکتی دامن زده می‌شود، انقلااب از دست برود، نظر شما در این زمینه چیست؟

ج: در شرایطی که ما در حال دفع یک تجاوز خطرناک امپریالیسم آمریکا و مقابله با یک توطئه وسیع ضد انقلابی دیگر از طرف امپریالیسم و نیروهای ضد انقلاب در ایران هستیم، بسیاری از عناصر و گروه‌های معتقد و علاقمند به سرنوشت انقلاب ایران به حق نسبت به

روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی «پرسش و پاسخ» با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت.

پخش اول و دوم این پرسش و پاسخ در شماره‌های گذشته به چاپ رسید و پخش آخر در شماره امروز درج می‌شود.

س: لندن می‌گوید خیلی جاهلانه است اگر فکر کنیم ما می‌توانیم بدون کمک متخصصین بورژوازی به بازسازی بپردازیم (کنگره نهم در سال ۱۹۲۵). در همین تاریخ هزارها متخصص بورژوا در خدمت بودند که برخی از آن‌ها حتی جوایز دولتی گرفتند.

به نظر من شرطی، که در مقاله‌های در باره دانشگاه‌ها و دانشجوئی در نامه «مردم» (۲۹۵) درباره استخدام استاد آمده است، یعنی ایمان به انقلاب، شرط‌زایدی است. زیرا ما معتقدیم که جامعه نقش عمده در تربیت افراد دارد. اگر زمینه و شرایط جامعه آماده باشد افراد می‌توانند در خدمت جامعه قرار گیرند و لزوماً دلیل ندارد مومن به انقلاب باشند. همین که بسیاری از افراد دارای عرق ملی هستند و کشور خویش را دوست دارند کافی است که با کنترل کردن آن‌ها از ایشان استفاده کرد، و این‌که صرفاً این‌ها معنی «عربی» دارند و اگر رفتند بهتر، ما آن‌ها را نمی‌خواهیم، برخورد درستی نیست. لطفاً به این سؤال جواب بدهید.

ج: در پرسش و پاسخ‌های گذشته و در نشریات حزب، ما موضوع خود را درباره مسئله تخصص و ایمان روشن کرده‌ام. نظر ما مطابق نظر کسانی نیست که فقط یکی از این دو جهت را می‌گیرند و روی آن تکیه می‌کنند و برای جهت مقابل ارزشی قایل نمی‌شوند. البته ما در این‌جا مسئله را، مثل بعضی‌ها، این‌طور مطرح نمی‌کنیم که هر کس متخصص بود، «ضد انقلابی» است. ما معتقدیم که در این زمینه بین ضد انقلاب، نیروهای بی‌بنا و بی‌بنا و نیروهای انقلابی باید تشخیص درست داد. دست‌نیروهای ضد انقلابی را باید، از هر جایی که بتوانند صدمه به انقلاب بزنند، کوتاه کرد. نیروهایی هم هستند بی‌بنا و بی‌بنا، یعنی به انقلاب اعتقاد ندارند، نه دل‌شان هم شاید بخواهند که اوضاع ایران به این شکل ادامه پیدا نکند و عوفی شود. بسیاری از روشنفکران ما که در دانشگاه‌ها بودند، تئوریست می‌کردند و بسیاری از افراد و گروه‌ها و تشره‌های مرفه جامعه در چنین موضع گیری سیاسی - اجتماعی هستند. ولی به‌طور فعال اقدامی علیه انقلاب انجام نمی‌دهند. حتی در شرایط بحرانی هم آماده نیستند که به طور فعال علیه انقلاب سینه‌زوبی کنند. از این نیروها باید در کار باز - سازی جامعه ما و اقتصاد ایران حتماً استفاده کرد. این نیروها را نمی‌تواند به‌طور انداخت، به عنوان این‌که: شما حتماً باید کاملاً معتقد به انقلاب باشید، تا این‌که به شما اجازه بدهند بروید مثلاً نقشه ساختمان خانه‌ای را بکشید، یا این‌که طبابت بکنید، یا این‌که درس ریاضیات، شیمی و فیزیک بدهید، یا این‌که در بیمارستان پرستاری کنید، ما این برخورد را نادرست و غیر انقلابی می‌دانیم. این عبارت است از دور کردن، ولی نیروی قابل توجهی که می‌تواند کارهای مثبت اجتماعی انجام بدهد، معنی البته ما جدا معتقد هستیم که تمام مسئولیت‌های گرهی و حساس باید در دست نیروهایی باشد که به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما اعتقاد دارند. چون آن‌جا حساب تصمیم است، آن‌جا حساب این است که تصمیم گرفتن می‌تواند در این جبهه صدمه‌های خیلی زیاد بزند. حساب‌اجرا نیست. اجرا را می‌تواند کنترل کرد. ولی تصمیم درست گرفتن یا ننگرفتن را به آسانی نمی‌شود کنترل کرد. به همین دلیل است می‌بینیم که حتی پس از انقلاب اکثر دولت انقلابی در جنگ‌های داخلی از افسران تزاری استفاده می‌کرد ولی برای این‌که با ما تصمیم غلط بگیرد، جنب او یک کمسر سیاسی می‌گذاشتند. یعنی تخصص و ایمان را با یکدیگر تکمیل می‌کردند.

البته چارچوبی را که ما برای افراد مومن به انقلاب قایل هستیم با چارچوبی که تشره‌ها، بعضی از مسئولان دولتی و برخی دیگر از نیروهای بوئر در جمهوری اسلامی قبول دارند، تفاوت دارد. ما معتقد هستیم که اعتقاد به انقلاب ما و به نظام جمهوری اسلامی، ما قانون اساسی، اعتقاد صمیمانه و صادقانه بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی افراد، بدون در نظر گرفتن سمت‌گیری سیاسی - سازمانی آن‌ها باید برای واگذاری مسئولیت‌های سیاسی کافی باشد. البته رهبری کنونی جمهوری اسلامی تصمیم گرفته‌است که سمت‌های اساسی و درجه اول مانند وزارت و معاونت وزارت، باید به افراد معینی واگذار شود، این‌ها می‌شود قابل فهم دانست. در عین حال که ما عقیده داریم که هستند نیروهای بسیار سالم و معتقد به جمهوری اسلامی و خارج از این چارچوب که می‌توانند لااقل همان قدر برای جمهوری اسلامی و امر بازسازی مفید واقع شوند.

در این مسئله فعلاً تا وقتی که جبهه متحد خلق تشکیل نشده است، تا وقتی که این درک برای نیروهای اسلامی مسئول پیدا نشده است که می‌شود این چارچوب را وسعت داد (همان‌طور که در کشورهای سوسیالیستی هم عمده قابل توجهی از مسئولین از افرادی هستند که ایدئولوژی حزب حاکم بر کشور را ندارند)، کار دیگری نمی‌توان کرد. ولی امید ما این است که ما نیز به چنین جایی برسیم، فراموش نکنیم که در کشورهای مثل الجزایر و بویژه سوریه هم خارج از چارچوب ایدئولوژی حاکم و سلسله مسئولیت‌های اجرایی سیاسی مهمی به نیروهای دیگری هم که صادقانه در جهت انقلاب عمل می‌کنند واگذار می‌شود.

بنابراین ما با این محدودیتی که برای انتخاب متخصصین به عنوان افراد مسئولیت‌دار، قایل می‌شویم، موافق نیستیم. در عین حال که به هیچ وجه ما آن چارچوب لیبرالی دولت کام به کام، که به این‌جا ختم شد که آقای ایزدی بزرگ مالک با آن نامه گذاشت، وزیر کشاورزی بشود، موافق نیستیم، معتقدیم که حتی از لیبرال‌ها می‌توان در برخی زمینه‌های اجرایی به عنوان متخصص استفاده کرد. البته به شرط آن‌که فعالیت آن‌ها به‌دقت کنترل شود، تا مبادا صدمه اساسی به انقلاب و جمهوری اسلامی بزنند.

س: در روزنامه‌های حزبی از شمار افزایش تولید حمایت می‌شود، با توجه به این‌که ساختار جامعه کنونی ایران سرمایه‌داری است و افزایش تولید به معنای افزایش سود خواهد بود، گروه‌ها و احیانا کسان دیگری از این پدیده به عنوان مستمسکی برای حمله علیه حزب توده ایران استفاده می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟

ج: در مورد این به اصطلاح «گروه‌ها»، این‌ها از هر بهانه‌ای برای حمله به حزب توده ایران استفاده می‌کنند، اما بپردازیم به افراد سالمی که در این باره صادقانه اشتباه می‌کنند، ببینید ما در شرایط محاصره اقتصادی بزرگترین دشمن استقلال و آزادی نه تنها ملت خود، بلکه تمام بشریت قرار گرفته‌ایم. صحت عملی که ما انجام می‌دهیم از این‌جا معلوم می‌شود که آیا عمل دشمن را خنثی می‌کند یا نه؟ این محک بهترین محک سنجش است. علاوه بر این برای پیدا کردن راه حل برای چنین مسائلی بفرنجی، همیشه باید از کل به جزء برویم و نه برعکس. در صورت‌خبر، به این نتیجه غلط خواهیم رسید که چون حاجی‌قلان در اس‌فلان کارخانه قرار دارد و تولید بیشتر تنها سود بیشتری را به جیب او سرازیر می‌کند، بنابراین افزایش تولید به ضرر طبقه کارگر است، ولی اگر بگوییم که مسئله انقلاب ایران و از آن جمله مسئله نبرد طبقه کارگر برای محدود کردن سرمایه‌داری، قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و پایه‌ریزی اقتصادی

يك سؤال: کارگران موقت چه حقوقی دارند؟

کارگران روزمزد، روز-بروز زندگی می‌کنند، به آنها شناسنامه کارگری داده نمی‌شود، هرچند که عمری را در این سو و آن سو، هر جا که فرصتی یافته‌اند، تنها از زبان کلر-آزما و مهندرت‌های خویش استفاده کرده‌اند.

کارفرما یا دولتی بوده-است یا مقاطعه‌کار سرمایه‌داری که به صورت آنان را فقط برای مدتی بردیدگر کارگران ترجیح داده‌است.

حرا؟ برای این‌که این کارگران هیچ مزایایی ندارند، هر زمان می‌شود بدون کمترین بهانه‌ای آن‌ها را اخراج کرد و آن‌ها نیز بهیچ مرجعی راه ندارند شکایت بجایی نمی‌توانند برد و هیچ خطی از قانون به آنها تعلق ندارد!

تاسف آور است در دناکو فגיע است اما واقعیت است و دردی است که بسیاری از حجتکشان میهن ما و در صیالی از طبقه کارگر بدان دچارند، آنها مدتی کوتاه در جایی بزم کارگری دست و پا می‌کنند، بجان می-

کوشند، ساکت محروم و مطیع‌اند، نایدا مکان رسمی شدن و برخورداری از کار دائم برایشان فراهم‌سود، ولی افسوس! پس از گذشت این مدت کوتاه خیابان درازو میدان‌های پر-جمعیت، تنها محلی است که به آنها پناه دهد.

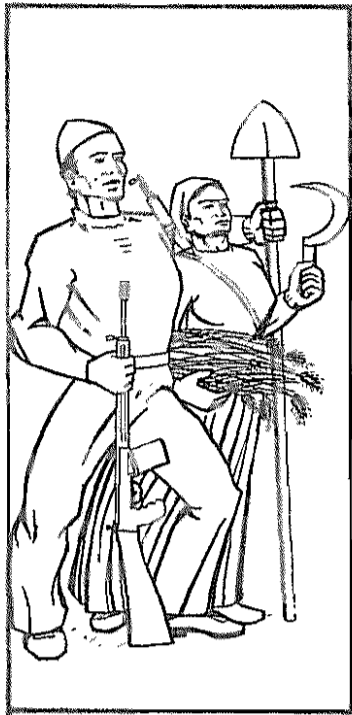
همین جندی سیش چهل تن از کارگران شهرداری منطقه ده شمیران اخراج شدند، نهمه این دلیل که کار نبود و نیازی به خودشان احساس نمی‌شد.

دلیل روشن این اقدام این بود که:

"این‌ها کارگران موقتی هستند، اگر ما ننند و سابقه‌ای پیدا کنند، دیگر نمی‌شود آنها را اخراج کرد؛ بنابراین کارگران هر چند ما یکبار عوض می‌شویم، تا سابقه پیدا نکنند!"

کارگران چه می‌گویند؟ می‌شنویم:

"کار ما پختن آسفالت است، شرکت‌ها و مقاطعه‌کاری‌ها ما را با روزی ۱۰۰ تومان



استخدام می‌کردند. ولی ما به امید آن‌که زمستان بیکار نباشیم و بتوانیم درآمدی داشته‌باشیم، با مزد روزانه ۶۳

تومان به استخدام شهرداری درآمدیم. ولی حالا که اول فصل سرماست، ما را اخراج کرده‌اند و کاری پیدا نمی‌شود، دردی است که هزاران و هزاران کارگر زحمتکش ایرانی در تمام طول عمر خویش و از دیرباز به آن دچار بوده‌اند؛ رسمی نیستید، پس مزایایی ندارید حقوق شما همانقدر است که کارفرما "لطف" کند و از سر "خیرخواهی" از جیب خود بپردازد! آنچه که بحساب نمی‌آید، انسان بودن، هموطن بودن، کارگر بودن و تمام نیروی خویش را در خدمت سازندگی و کار برای اجتماع گذاشتن است، تا هر وقت می‌توانند برای رفع گرسنگی جان می‌کنند، و آن‌گاه که در بستر بیماری افتند یا بیری و از کار افتادگی فرارسد هیچکس نیست که در درامهرمی باشد، دارویی تهیه کند، درمانگاهی برای استراحت نیست و خانواده باید با دیو فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم کند.

این سرنوشت محتوم همه

آنان است، ولی ظاهراً شی از یک "گناه": نتوانسته‌اند خود را رسمی کنند، و بهتر بگوییم، دروغ‌های هرج و مرج گذشته، شانس آن را نداشته‌اند که حتی از قوانین دوره طاغوت برخوردار شوند.

کاری به گذشته نداریم، گذشته‌ها را به گورستان تاریخ سپردیم، فردا را روشن و با-شکوه بسازیم، دیگر نباید در جامعه انقلابی، واقعیت زست و غیر انسانی کارگران موقت وجود داشته‌باشد.

اکنون که قانون کار تدوین می‌شود، ضرورت تا کیدبر این مساله هر چه بیشتر محسوس است و باید تصریح شود: هیچ کارگری در هیچ جای میهن نباید از دایره شمول و حدود تاثیر این قانون خارج شود، همه کارگران باید بیمه شوند، همه باید از کلیه مزایای قانونی برخوردار شوند و وزارت کار باید خود را موظف و مسئول نشان دهد که به این ضرورت درنگ ناپذیر، جامعه عمل بپوشاند.

در بوشهر ۹ کارگاه موزائیک سازی وجود دارد، که از این کارگاهها، کارگاه کورش و تختی با دودستگاه پرس بزرگتر از بقیه‌اند، تعداد کارگران این کارگاهها بین ۲ تا ۱۲ نفر است، که اغلب آنها غیر بومی هستند و همین غیر بومی بودن آنها یکی از دلایل عدم تشکل آنها و تعطیلی کارگاهها در تابستان است، به کارگاهها میرویم و با مشکلات و خواستههای آنها آشنا میشویم.

موزائیک سازی لوکس جدید کارگر دارد، ۳ نفر از آنها پاکستانی‌اند، با یکی از آنها نام رمضان مادقسی اهل همدان به صحبت می‌نشینیم، میگوید: "ما اهل همدانیم و دو بچه داریم، با این گرانی نمی‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم، بدهکار هستم، در یک اتاق اجاره‌ای با ما همی پانصد تومان نشسته‌ام، بیمه نیستیم، سندی‌ها هم نداریم."

از وضع کارگاه و شرایط نامساعد آن میگوید: "باید، کم‌درد و گرد و خاک ناشی از سیمان، ما را زیاد آزار میدهد، از انقلاب و مبارزه با آمریکا سؤال میکنیم، جواب میدهد: "تا آخر با آمریکا مبارزه میکنیم."

در مورد وضع دستمزد میگوید: "همه کارگران کنتراتی کار میکنند و بابت هر دانه موزائیک در اندازه‌های مختلف

معمولاً از ۲/۵ تا ۱۵ ریال مزد میگیرند."

مدیر کارگاه هم از کمی سهمیه سیمان و دیر تحویل دادن آن میگوید و توضیح می-دهد که:

"۴ ماه است پول داده‌ام ولی هنوز سیمان تحویل نداده‌اند، کارگاه بیمان دو نفر کارگر و دودستگاه پرس دارد، که یکی از آنها از کار افتاده و خراب است، یکی از کارگران، که خود را غلام معرفی میکند، میگوید:

"۱۲ سال است که در اینجا کار میکنم و پرس کارم، وضع مزد من معلوم نیست، هر چه بیشتر کار کنم بیشتر پول می‌گیرم، چون کنتراتی کار میکنم، مثلاً برای موزائیک ۳۰x۳۰ معمولی دانه‌ای ۲/۵ ریال و ۳۰x۳۰ مرمز ۵ ریال

۴۰x۴۰ مرمز ۱۵ ریال میگیرم. غلام از گرانی و مشکلات زندگی خود گله دارد و از مقامات مسئول میخواهد که به وضعیت رسیدگی شود.

در کارگاه از بهداشت و وسایل ایمنی خبری نیست، در موزائیک سازی کورش قاسم، کارگر این کارگاه، در برخورد با ما، چنین می‌گوید:

"۱۱ کللی سواد دارم، روزی ۹۰ تومان مزدم است، رنگ ساز موزائیک هستم و از انقلاب راضیم، با اینکه مشکلاتی برای ما کارگران وجود دارد، ولی از اینکه مملکت را از دست مزدوران گرفتیم و دست خودمان است خوشحالم."

فرامرز رحیمی، اهل اهواز که پرس کار است، در جواب پرسشهای ما میگوید:

"از انقلاب راضی هستم، ولی

دستگاه کار میکنم، مشکل دنا گرانی است از صبح تا شب کار میکنم، ولی نمیتوانم یک کیلو میوه برای خانواده‌ام بخرم،" او اضافه میکند:

"کارم کنتراتی است، به بانک هم بدهکارم و قسط می-پردازم، ماهی یکبار هم گوشت نمیخورم، گرد و خاک و سیمان ما را از خوراک خوردن انداخته، خوراک ما فقط آب است، بگر چه بیمه هستم، ولی رسیدگی نمی-کنند، به علت شرایط گسارم، هم‌اکنون درد دارم."

جالب اینکه از ما پرسید که سنس درجه حدوداً است؟ گیانه و چین و چروکهای صورتش گویای ۵۵ سال بود، ولی در جواب به ما گفت: "من ۲۸ سال دارم،"

کارگاه‌های سبز، ۳ نفر کارگر دارد، که بدنیاال از کار افتادن یک دستگاه پرس در کارگاه کورش، جملگی به این کارگاه آمده‌اند و در این کارگاه بطور کنتراتی کار میکنند، قبلاً با مشکلات و خواستههای آنها آشنا شده‌ایم.

متأسفانه از کارگاههای سپید، دریا، و تختی، به علت مخالفت صاحبان کارگاه، موفق به تهیه گزارش نشدیم.

امیدواریم که قوانین و ضوابط عادلانه و انقلابی این کارگران را نیز شامل شود و انتظار داریم که مسئولین دولت انقلابی با زوان فعال و پاکبازان، انقلاب را در پیابند،

قانونی در کار نیست، نه بیمه و بهداشت، نه دستمزد کافی، اما امیدواری هست و مبارزه!

کارگران موزائیک کار بوشهر: تا آخر با آمریکا مبارزه می‌کنیم

مدرسه و دانش آموزان معصوم کرد را مرکز توطئه‌های ایلیسی قرار داده‌اند، آنان میخواهند با نه آشوب‌کشانیدن مدارس، دانش آموزان را رویاروی سیه پاسداران و نیروهای مسلح قرار دهند، تا با تکرار فجاجیع گذشته و برآه اندازی خونریزی و کشتارهای خیابانی، جنگ تازه‌ای را بر شهرهای کردستان محمیل نمایند، بدیهی است نارسائیهها و سیاستهای نادرست مسئولین آموزش شهر، عدم هوشیاری و وقت دانش آموزان نیز هر کدام بنحوی مقدمات لازم را برای ایجاد اغتشاش و بلوا و نیل به این مقاصد شوم، بدست آتش افروزان و آشوبگران خواهد داد.

بنابراین، هرگونه بی-توجهی و سهل انگاری در برابر این خطر هولناک، به قیمت خون بسیاری از بیگناهان و جوانان میهن ما تمام خواهد شد. لذا برای خنثی نمودن این توطئه‌های خائفانه لازم است، با کمک همه جانبه، در فرجه نا-رسائیههای آموزشی، تقویت هوشیاری دانش آموزان، آراه راه‌های صحیح و سریع مشکلات آموزشی، جلوگیری از ایجاد تشنج و خشم و تلاش همگانی برای حفظ آرامش و امنیت، از تکرار فاجعه‌های گذشته معانعت نمود و اجازه نداد که با ریدیکر جنگ افروزان و دست-نشانندگان امپریالیسم، به بقیه در صفحه ۶

هدار سازمان حزب توده ایران در سندج در باره: تشدید فعالیت ضد انقلاب در میان دانش آموزان کردستان

فرزندان این مرزوبوم، تعهد وجدانی و قلبی دارند... حرف ما با همه آنهاست است که طعم جنگ و خونریزی را در کردستان و دیگر شهرهای ایران به تلخی چشیده‌اند، ما همداریم!

نقشه‌ریزان جنگ افروز، با همکاری گروههای ضد انقلابی، برای تضعیف سنگرهای دفاع در برابر تجاوزات مزدوران بعثی عراق، در فکر برافروختن جنگ جدیدی در کردستان هستند، برای اجرای این نیت شوم،

شخصیتهای میهن دوست و مومن به جمهوری اسلامی ایران! مقامات و ارکانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران! روی سخن ما با همه شماست، با همه آنهاست که در برابر زندگی و حیات هم میهنان ستمدیده و محروم خویش اساس مسئولیت میکنند، با همه آنهاست هستیم که در این روزهای دشوار تاریخ میهن ما، نسبت به دفاع از انقلاب ایران، نسبت به سرنوشت خلقهای در کشیده این سرزمین، نسبت به جان

سازمان حزب توده ایران در سندج، طی اعلامیه‌ای، نسبت به تشدید فعالیت‌های ضد انقلاب در کردستان و از جمله تحریک دانش آموزان، به مسئولین جمهوری اسلامی ایران هشدار داد، متن اعلامیه به شرح زیر است:

"دانش آموزان هوشیار و انقلابی سندج! پدران و مادران دلسوز و آگاه کرد! نیروهای متعهد و وفادار به انقلاب ایران!

با دهقانان و عشایر فارس

بعضی تصور میکنند که با دهقانان و عشایر فارس، به یکی از کارهای مسافری روستا در دروازه اصفهان می رویم. ابتدا با اسماعیل و غلام شهابی صحبت می کنیم. اسماعیل می گوید:

"ماهل توابع ارسنجان هستیم. هیئت هفت نفری قرار است به ده ما، "شرق آباد"، بیاید. ده حدود یکصد خانوار جمعیت دارد و حدود ۴۰۰ هکتار زمین. در موقع انقلاب، بزرگ مالک زمینهای خود را به اسم این و آن کرد،

برای آشنایی با مشکلات روحیه روستائیان و عشایر فارس، به یکی از کارهای مسافری روستا در دروازه اصفهان می رویم. ابتدا با اسماعیل و غلام شهابی صحبت می کنیم. اسماعیل می گوید:

"ماهل توابع ارسنجان هستیم. هیئت هفت نفری قرار است به ده ما، "شرق آباد"، بیاید. ده حدود یکصد خانوار جمعیت دارد و حدود ۴۰۰ هکتار زمین. در موقع انقلاب، بزرگ مالک زمینهای خود را به اسم این و آن کرد،



اسماعیل و غلام از ده شرق آباد

تا تقسیم نشود. من که سه سال پیش زمینی خریدم، مالک نمی گذاشت کشت کنم. ولی ما، در مقابل مالکها، بسا جمهوری اسلامی اعلام همبستگی کردیم. برای کمک به جبهه جنگ علیه صدام ده "شرق آباد" حدود بیست راس گوسفند، مقداری پول و گندم آورد و نان محلی کمک کرد.

اسماعیل ادامه میدهد:

"آنها نمی گذارند اصلاحات ارضی بشود، با مالکان هستند. مالک همه چیز دارد، زمین، تلمبه و... ولی من چس دارم؟ من چشم براه هیئت هفت نفری هستم. دهات به جبهه بیشتر کمک می کنند و اکثر سربازان از دهات هستند. همین دهها، چندماشین خواروبسار و گوسفند و اجناس جمع کرده تا کمک کنند. تا بحال چند تا ماشین پرگندم کمک کرده ایم."

اسماعیل درباره مشکلات ده می گوید:

"مدرسه تا دوره ابتدائی داریم و حمام و درمانگاه نداریم. برای ساختن درمانگاه و حمام پول جمع کردیم. نقشه آنرا جهاد کشیده، ولی هنوز نیامده اند. آنها را بسازند. نقشه جاده را هم کشیده اند، که بسازند فعلا برای معالجه بیماران باید به ارسنجان برویم. غلام ادامه میدهد:

"فعالان دولت انتظار داریم که بیروز باشیم، خارجی بر ما تسلط پیدا نکند و آمریکایی برنگردد و آزاد باشیم." وی درباره عراق می گوید:

"عراق تنها نیست، آمریکا و اردن و مصر و اسرائیل هم، با ما در جنگند، و هم از زیر سر آمریکا است، چون منافع خود را از دست داده است."

غلام ادامه میدهد:

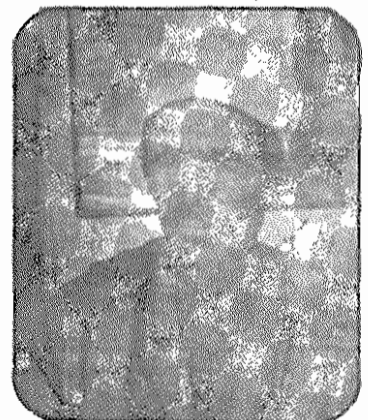
"خوانین نوگرد داخلی آمریکا هستند. می خواهند رعیت و نوکر داشته باشند. می خواهند خان خانی بکنند. دولت باید اینها را بگیرد و کار آنها را یکسره بکند، که دارد هم میکند، اگر زودتر سرکوب شوند، بهتر است، چون اینها توطئه کردند."

اسماعیل می گوید:

دوشان از رژیم سابق باقی مانده است، با جبهه مصمم حرف میزنند و نوید پیروزی میدهند.

در گوشه دیگر خیابان، عده ای از عشار منتظر اتوبوس هستند. علی، از پایه کتکولی کوچک، از ایل شقایبی، می گوید:

"مادر منطقه برم شور زندگی می کنیم و به جبهه، گوسفند و نسلان کمک کرده ایم و بیشتر افراد پول داده اند. در برم شور حدود ۲۰ جادر است و شغل افراد بیشتر دامداری و کشاورزی است. معلم عشایر داریم. همه



علی از ایل کتکولی کوچک

اعلام همبستگی کرده ایم،" او درباره مشکلات خودشان می گوید:

"تلمبه نداریم. علوفه دام کم گیری آید. اجناس را گران می خریم. شورانمایند نداریم و مجبوریم اجناس را گران بخریم. اگر مریض شویم، باید به میشون، تا شهر دوکتیدان برویم. در تابستانها سردمان سمیرم است. تا به حال به وضع ماریسیدگی ننده است. علی درباره حاسه می گوید:

"خانها زوری گویند و چون شکشان بر است، به کوزه دهاند. اکثریت مطلق عشار با جمهوری اسلامی هستند. دولت اگر زودتر خوانین عشار را مجازات کند، بهتر است."

شگرد فتودالها برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی چیست؟

هفت نفری و غیره است. در آغاز مصاحبه، مخر "پیام هاجر" استاد رضا اصفهانی پرسیده است:

"از روزی که طرح اصلاحات ارضی اسلامی به دست اجرا سپرده شده است، افراد یا گروهها، به عنوانی مختلف، با آن به مخالفت برخاسته اند و حتی پارافراتر از مخالفت گذاشته، این طرح را کمونیستی می خوانند و دیده شد در جزوه ای، ضمن رد اصلاحات ارضی اسلامی، شما را که استاد علوم اسلامی و انسانی مومن و معتقد هستید، کمونیست می خوانند. در این مورد چه نظری دارید؟"

استاد اصفهانی پاسخ داد:

"اولا آنچه که ما کردیم و آنچه که هیئت های هفت نفری طبق طرح تصویب شده شورای انقلاب میکنند، با آنچه ممکن است گاهی اوقات از طرف بعضی از افراد به غلط انجام بگیرد، به دو گونه است. آنچه که برنامه ما بوده و الان هم هیئت های هفت نفری مشغول پیاده کردن آن هستند، متن طرحی است که در شورای انقلاب، با شرکت چند تن از روحانیون بزرگ، تصویب شد و به امضای شخص آقای منتظری، آقای مشکینی و آقای بهشتی هم رسیده است. این آقایان را خود اسامی شخصا برای اظهار نظر در مورد این کار تعیین کردند... امضاء آنها در پای هر صفحه از این صفحات هست... مسئله بی سروصدا نبوده. مخصوصا فتودالها بیشتر از همه سروصدا ایجاد کردند و حتی تلگراف های متعددی تحت عنوان کشاورزان، خرده مالکان نوشته اند... آیا این صحیح است که آقایان منتظری، بهشتی و مشکینی (اگر این طرح کمونیستی بود و اسلامی نبود (آنرا) امضاء کنند؟ و حتی آقایان موسوی اردبیلی، رفسنجانی و آقای باهنر، که در جلسه شرکت داشتند... متوجه نشدند که این طرح کمونیستی است؟ این یک بیماری است. در جامعه ما، به جای این که وقتی یک طرح مردمی در جامعه مطرح می شود، در اذهان به شکل خیلی عالی مطرح کنند، نوری انگ کمونیستی می چسباندند... خبرنگار "پیام هاجر" آنگاه درباره مقاومت مالکان بزرگ در مقابل اجرای قانون اصلاحات ارضی و هیئت های هفت نفری و نیز اقداماتی که برای خنثی کردن این توطئه ها صورت گرفته، می پرسد:

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد:

"برای آشنایی مردم، بسزای خنثی کردن این قبیل توطئه ها، یک سلسله تبلیغات در مورد اصلاحات ارضی شده، که خواه ناخواه در رسانه های گروهی مطرح شده است... آنچه را که یک عده فتودال می گویند کمونیست، آن کمونیست نیست و آنچه را می گویند خبرنگار سپس در باره حوه اجرا و زمان اصلاحات ارضی سؤال می کند:

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد:

"هیئت های هفت نفری بسبب زمین کار خود را به تدریج انجام می دهند و حتی در خیلی از مناطق وارد عمل نشده اند، مدتی تحقیق کرده اند تا عرف محل را طبق ضابطه و قاعده های مناسب در آورند و طبعاً این کار ممکن است، با توجه به پهناوری کشور، مدت زیادی طول بکشد. قدر مسلم این است که مشغول کار هستند. بعضی اوقات افرادی تحت عنوان هیئت ۷ نفری تقسیم زمین (ممکن است) کارهای خلاف کرده باشند، ولی هیچ ربطی به هیئت تصویب شده ما ندارد. چه بسا این افراد که حکم ستاد مرکز را نداشته اند، گاهی اوقات زمین کشاورزی را که امگاساتی نداشته و آنچه را تلاش می کنند برایش کافی نبوده، گرفته و تقسیم کرده اند. اولین مسئله برای تحقیق پیرامون مسئله اصلاحات ارضی این است که توجه کنیم اگر زمین کشاورزی به ناحق گرفته شده، آیا این زمین را هیئت هفت نفره گرفته یا افرادی این نام را سیر خود کرده و زمین این کشاورز بینوا را گرفته اند... خبرنگار تشریح "پیام هاجر" همچنین از استاد رضا اصفهانی می پرسد:

در هفته های اخیر و در پی تجاوزات مسلحانه رژیم مزدور عراق به خاک جمهوری اسلامی ما، از سوی عناصر ضد انقلاب در یارهای از مناطق کشور شایعاتی مبنی بر متوقف شدن اجرای طرح اصلاحات ارضی شنیده شده است. در این خصوص شما چه نظری دارید؟

استاد رضا اصفهانی میگوید:

"این دنباله تلاشی است که عده ای از فتودالها قبلا هم میکردند. منتهی یک مدتی این تلاش متوقف شده بود و حالا هم در نظر دارند برای متوقف کردن این طرح بگویند این طرح برخلاف اسلام است و تعجبی هم ندارد، چرا که عکس العمل فتودالهاست. کسی که سالها شیره جان مردم را مکیده، غیر از این هم نمی توان انتظاری از او داشت... آقای اصفهانی درباره نگرانی اربابان برای گرفتن فتوا از برخی مراجع اضافه کرد:

"یک سلسله مسائل کلی است که این عناصر از بعضی آقایان مراجع پرسیده اند. فرض بفرمائید می پرسند: "اگر کسی زمینی داشته باشد و ببیند این را از او بگیرند، آیا این جایز است؟"

ما خودمان هم می گویم جایز نیست. اما این (را که) زمین چه مقدار از راه نامشروع به دست آمده و چه مقدار آن اضافی است و چقدر از این زمین غصب کرده، مطرح نمی کند، تا امام یا فقیه دیگر جواب صحیح آن را بدهد و برخلاف بگوید. مگر این امام نیست که در بعضی از بیانات خود گفته اند: آیا این سندهای یوسیده دلیل مالکیت است؟ آیا خیلی از آنها را نمی شود گفت که از راه نامشروع به دست آمده است؟"

وی درباره عراق می گوید:

"عراق حمله کردنش از طرف آمریکا است. اگر دولت به ما علوفه برساند، می توانیم گوشت و لبنیات بیشتر تولید و به جبهه کمک کنیم. ما جلو عراق و آمریکا را می گیریم. خانهای سرسپرده عشاری صدام عشار هستند و عمال آمریکا در محل هستند."

علی درباره کشاورزی می گوید:

"با اسب و قاطر زمین را شخم می زنیم و گندم و جو می کاریم و کشت بسه صورت دیمی است." او ادامه میدهد:

"اگر دولت برای ما خانه بسازد، ما راضی هستیم که ساکن شویم." "آنها خدا حافظی می کنیم. اینها که شب و روز در حال کوچ هستند و شرایط زندگی

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگ نمی شود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار می گیرند.

سختی دارند، حساب خودشان را از خوانین جدا می کنند، اینها که بار فقر و گرسنگی را بردوش می کشند، آگاهند که فریب وعده های خوانین و ضدانقلاب را نخوردند و می دانند که خوانین همیشه به بهای فلاکت آنها، خوشگذرانی کرده اند، آنها جان برکف آماده مقاومت در برابر آمریکا هستند.

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد:

"ماهی های خوانین و ضدانقلاب را نخوردند و می دانند که خوانین همیشه به بهای فلاکت آنها، خوشگذرانی کرده اند، آنها جان برکف آماده مقاومت در برابر آمریکا هستند."

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد:

"ماهی های خوانین و ضدانقلاب را نخوردند و می دانند که خوانین همیشه به بهای فلاکت آنها، خوشگذرانی کرده اند، آنها جان برکف آماده مقاومت در برابر آمریکا هستند."

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بانه:

با رسیدگی به حقوق حقه خلق کردور رفع محاصره اقتصادی روستاهای کردستان، دست خوانین ضدانقلاب را از این استان کوتاه کنیم!

سازمان حزب توده ایران در بانه، با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن برشمردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن علیه انقلاب ایران، از مسئولین جمهوری اسلامی ایران خواسته است، تا بارغ محاصره اقتصادی و حمل مساله ملی در کردستان توطئه‌های ضدانقلاب را در این خطه نقش بر آب سازند. در اعلامیه آمده است:

"بدنبال شکست سیاسی- نظامی ششمین توطئه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که بصورت تجاوز نظامی صدام حسین خائن، به میهن انقلابی مان، شکل گرفته بود، اینک این "جرثومه فساد" از پای ننشسته و در صدد اجرای هفتمین طرح جنایتکارانه خویش است.

طرح ایجاد جنگ داخلی در ایران تلاش برای تقویت مواضع لیبرالها، کوشش برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس، ایجاد درگیری در شهرهای مختلف ایران و برآوردن تظاهرات کذافی علیه روحانیت مبارز و متعهد پیرو خط امام خمینی، نفاق افکنی بین نیروهای راستین هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تشدید حملات باسند قاسطو... در کردستان و ضدانقلابیون در سیستان و بلوچستان، تلاش برای ایجاد نا رضایتی در بین مردم و دستخوش کشیدن مدارس، همواره در ارتباط با این توطئه شوم است که می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

تنها و تنها اتحاد، هوشیاری و پایداری خلقهای ایران است که همجون سدی برآوردین همه این توطئه‌ها را خنثی خواهد کرد. لذا در این شرایط دشوار، رسیدگی به حقوق اجتماعی مردم کردستان و رفع محاصره اقتصادی از روستاهای کردستان، بی شک ضریب است بر مواضع ضدانقلاب، که با دستاویز قراردادن این مسئله، تبلیغات ننگین خود علیه جمهوری اسلامی ایران را تشدید کرده است.

در این شرایط حساس، اقدامات ارگانهای مملکتی در جهت جیره بندی

مواد غذایی در سطح کشور و تقویت بیست جبهه، عملی است انقلابی، و بجا در جهت حمایت از مستضعفین و کوتاه کردن دست جیابولکترانه محترکین و دلالان بزرگ، زحمتکشان روستاهای بانه، این پشتیبانان راستین انقلاب، بحق انتظار دارند که اقدامات بجای دولت جمهوری اسلامی ایران شامل حال آنان نیز بشود و با شکستن محاصره اقتصادی و اجرای طرح جیره بندی مواد غذایی در روستاها، دست عناصر مشوک و ضدانقلاب را، که سعی در رودر رو قرار دادن خلق کردور جمهوری اسلامی ایران دارند، کوتاه کرد و جلوی غارتگریهای حیوانگران محترک و سودپرست، که مواد غذایی و سوختی را با قیمتهای سرسام آور احتکار می کنند و دهها برابر قیمت رسمی "دولتی" به فروش می رسانند، گرفته شود.

پارسیگن محاصره اقتصادی را مستضعفین روستا بردوش دارند، ضد انقلاب که خود بوسیله رژیم جنایتکار صدام از همه جهات تغذیه می شود، از فشاری که در اثر محاصره اقتصادی بردوش زحمتکشان روستاهاست، علیه انقلاب و علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبران، امام خمینی به نفع خود و اربابان سود استفاده می کند. شکستن محاصره اقتصادی روستاها و رسیدگی به مسئله ملی در کردستان، دست این جنایتکاران را از این مرز و بوم کوتاه می کند.

این انقلاب است که باید خواستهای بحق زحمتکشان را در همه زمینه‌ها برآورده سازد. ما زحمتکشان بانه هم مثل همه خلقهای ایران، جز این انتظاری از جمهوری اسلامی ایران نداریم.

پیش سوی خنثی کردن هفتمین توطئه ضدانقلابی امپریالیسم آمریکا! مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا! برقرار باد جبهه متحد خلق، ضامن پیروزی انقلاب! حزب توده ایران سازمان بانه

پرسش و پاسخ

بقیه از صفحه ۲
بشود، حالت‌های طوفانی پدید آید. این همه ممکن است. ولی به نظر ما محصول این درگیری‌ها و طوفان‌ها و بحران‌ها، مثل مراحل قبلی باز هم تعقیق بیشتر انقلاب در سمت گیری‌های اساسی یعنی ماهیت ضد امپریالیستی آن خواهد بود و نه ضعیف انقلاب به سود لیبرال‌ها و غیره.

س: (یکی از دانش آموزان) "پیشگام" - هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت): اخیراً در نشریه کار شماره ۸۶ و ۸۸ مطالبی درباره بورژوازی ملی مطرح شده است. می‌خواستم که تعریف دقیقی از بورژوازی ملی بکنید. آیا اصلاً در ایران بورژوازی ملی وجود دارد؟ یا اصلاً در زمان حاکمیت امپریالیسم، بورژوازی ملی می‌تواند رشد پیدا کند؟ یا توجه به این که بورژوازی ملی بایستی بدون وابستگی باشد و غیره. نظر حزب توده ایران را چه به موضوع گیری سازمان در مورد بونی صدر بورژوازی ملی چیست؟

ج: من این سؤال را البته فقط برای آن اینجا خواندم که به این دوست پیشگام و به دوستان نظیر او که از این نوع سئوالات برای ما می‌فرستند یک یادآوری بکنم. ما درباره این مسائل در نشریات حزب توده ایران به طور مبسوط و همه جانبه دیدگاه‌های حزب توده ایران را بیان داشته‌ایم. حتی در همین "پرسش و پاسخ"ها ما به طور مبسوط درباره نقش و قشر بندی‌های بورژوازی در کشوری نظیر ایران مفصل صحبت کرده‌ایم. تکرار این صحبت‌ها برای مجموعه "سئوال و پاسخ" بی‌فایده است. ما در آنجا به این سؤال جواب دادیم. سئوال جالب باشد. چون اکثریت این رفقا این سئوالات را شنیده‌اند و نسبت به آن هم نظریات مشخص حزب را می‌شناسند. آما بهتر بود که این سئوال کننده آدرس خود را می‌فرستاد و ما می‌توانستیم برای او به طور مشخص دوستی را معین بکنیم که با او تماس بگیرد و جواب این سؤال‌ها را به او بدهد؟ البته اگر دوست ما واقعا این عقیده را دارد که این سؤال برای عده زیادی از دوستان او در گروه پیشگام و گروه سازمان چریک‌های فدایی خلق مطرح است، این را برای ما بنویسد. آن وقت ممکن است که ما بتوانیم به این مطلب در مقاله‌ای در نامه "مردم" بپردازیم. وگرنه در جلسات پرسش و پاسخ ما نمی‌توانیم به این مسائل اختصاصی تئوریک بپردازیم. در آن دوران اول ما این کار را کردیم، برای این که همه خواستار شناخت این مسائل بودند ولی حالا یواش یواش در نتیجه فعالیت‌های تبلیغاتی حزب توده ایران، سطح شناخت هواداران حزب به میزان زیادی بالا آمده است. ما می‌توانیم منتظر این باشیم که دوستان به ما بگویند که رفیق کیا چرا این قدر تکرار می‌کنی؟ پس است دیگر! در دیزی باز است حیا گریه کجا رفته؟ ولی قبل از آن که چنین انتقاداتی برسد، من کوشش می‌کنم از طرح آن مسائلی که چندین بار تکرار شده است خودداری کنم.

پایان

خلق السالوادور

درواه آزاد کردن خود از اسارت امپریالیسم آمریکا به پیش می‌رود



صحنه‌ای پس از هجوم دژخیمان به مردم، در سان سالوادور پایتخت السالوادور

بموجب تازه‌ترین گزارش‌های "جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی"، تعرض نظامیان راستگرای السالوادور علیه مناطق آزاد شده در استان "مورانسان" که در حدود سه ماه پیش آغاز گشت و بهاد عای مکرر رژیم با موفقیت پیش میرفته به شکست انجامیده است. بگفته یکی از بیانیه‌های اخیر "جبهه"، این شکست نیروهای "خونتا"، که ایالات متحده آمریکا "کارساس" سلاح در اختیار آنها می‌گذارد، برای مرحله کنونی بیگانه‌ای در السالوادور نمونه وار است.

اینک "جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی" در حدود یک پنجم السالوادور را تحت سلطه خود در آورده است و در چهار جبهه "گوناگون" علیه "خونتا" می‌رزد. نیروهای دمکراتیک و انقلابی این کشور هر چه بیشتر وحدت خود را استحکام بخشیده‌اند و به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و برای دمکراسی و عدالت اجتماعی ادامه می‌دهند.

دیگر توهمی در باره ماهیت راستین رژیم وجود ندارد

اوضاع السالوادور در مقایسه با یکسال پیش تغییر بنیادی یافته است. سال پیش، هنگامیکه در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۷ تا ۱۵ دی ۱۳۵۸) ۶۰ درصد کاهش یافت. در همین مدت دیون خارجی السالوادور دو برابر شد. محصول قهوه، که مهم ترین کسالی صادراتی سنتی این کشور را تشکیل می‌داد، یک سوم تنزل پیدا کرد. بیش از ۵۵ کارخانه مهم تعطیل شد و کارگران آنها به خیل بیگاران بیوستند.

مردم بزودی دریافته‌اند که رژیم وابسته به ایالات متحده آمریکا، که سالها بر آنها سلطه می‌راند، همچنان زمام امور را بدست دارد و تنها کارگران آن تغییر یافته‌اند. نگاهی به ترازنامه کودتاچیان وابسته به ایالات متحده آمریکا، پس از یکسال فرمانروایی آنها، برآستی دهشت انگیز است: اختناق و شکنجه‌ها و کشتارهای بی‌سابقه بیش از هفت هزار کشته، صدها مفقود و زندانی و اقتصادی ویران.

از جمله بیدادگری‌های "خونتا" عبارتست از بیکاری و قتل رهبران سازمانهای خلقی، سدیگایی و دانشجویی، بمباران صفوف آوارگان، استفاده از مواد سمی و ضد آفات علیه روستائیان و نابودی دهات و قرا، بنای نمونه تجاوز کاران ایالات متحده آمریکا در ویتنام. اینک در السالوادور روزانه، بطور میانگین، بیست میهن دوست کشته می‌شوند.

و خاست اوضاع اجتماعی- اقتصادی السالوادور امروزه بحمدی است که بیکاری، تورم، گرسنگی و فقر در این کشور به ابعاد بی‌سابقه رسیده است.

کمک وسیع ایالات متحده آمریکا به رژیم السالوادور

"اصلاحات ارضی" رژیم تنه‌آوارگی هزاران دهقان و کارگر روستایی و ایجاد باصلاح روستاهای استراتژیک انجامیده است. حجم بازرگانی السالوادور در سال ۱۹۷۹ (۱۱ دی ۱۳۵۷ تا ۱۵ دی ۱۳۵۸) ۶۰ درصد کاهش یافت. در همین مدت دیون خارجی السالوادور دو برابر شد. محصول قهوه، که مهم ترین کسالی صادراتی سنتی این کشور را تشکیل می‌داد، یک سوم تنزل پیدا کرد. بیش از ۵۵ کارخانه مهم تعطیل شد و کارگران آنها به خیل بیگاران بیوستند.

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا که با سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه، سستی سهمگین در آمریکای مرکزی نصیب شد، اینک همه کوشش خود را برای جلوگیری از گسترش بیشتر جنبش خلق در السالوادور بکار انداخته است. آمریکا، نه تنها میلیونها دلار به رژیم دیکتاتوری اعتبار و اسلحه می‌دهد، بلکه صد ها کارشناس نظامی و ده ها جاسوس "سیا" را به السالوادور گسیل داشته است، که در "پیگردن شورشیان" شرکت مستقیم دارند.

جندی پیش افاست که ایالات متحده آمریکا در کشورهای همسایه السالوادور، یعنی گواتمالا و هندوراس، تهاجمی را علیه السالوادور تدارک می‌بیند، بدین منظور، نیروهای خود را در گاراغیب و منطقه کانال پاناما نیز تقویت کرده است.

ناظران سیاسی معتقدند که، چنانچه کمک ایالات متحده نبود، نیروهای خلقی السالوادور مدت‌ها پیش توانسته بودند رژیم "خونتا" را سرنگون سازند.

اتحاد فزاینده خلق

از سوی دیگر، اختناق فزاینده ارتجاع داخلی و خارجی جبهه نیروهای مخالف را هر چه بیشتر توسعه داد، علیرغم شرایط بس دشوار مبارزه، گفت که بشینه خلق از سازمانهای انقلابی پشتیبانی میکند. این سازمانها در بهار سال ۱۳۵۹ به تشکیل "جبهه دمکراتیک انقلابی" همت ورزیدند و هدف خود را سرنگونی رژیم دژخیم نظامیان اعلام داشتند. این جبهه هیچده سازمان خلقی مردم السالوادور، از جمله برخی از گروههای بورژوازی، را در بر میگیرد.

مقاومت مسلحانه مردم را رهبری متحده انقلابی (دیرکسیون رولوسو-ناریا اونیفیکادا "درو") هم-آهنگی می بخشد. "درو"، که در اواسط بهار امسال تشکیل شد، "حزب کمونیست السالوادور"، "نیروهای مسلح خلق - فارابوندو مارتیسی"، "سیاه انقلابی خلق" و "نیروهای مسلح مقاومت ملی" را در بر میگیرد.

جدیدترین گام در راه تحکیم وحدت عمل جنبش مسلحانه و انقلابی خلق السالوادور اعلام تشکیل "جبهه آزادی بخش ملی - فارابوندو مارتیسی" بوده است، که در آن مهم ترین گردانهای مقاومت خلق السالوادور و تشکیل یافته‌اند و از نظر نظامی و سیاسی از سوی "درو" رهبری میشوند. دومین بلنوم "درو" شرکت "نیروهای مسلح مقاومت ملی" را نیز در این جبهه تأیید کرد.

شفیق خورخه هندل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور، جندی پیش، در بیانیه‌ای تشکیل "فرماندهی عالی متحد انقلابی" را بیانگر اتحاد میهن دوستان السالوادور در زمینه همه مسائل بنیادی سیاسی، نظامی، ملی و بین-المللی خواند.

هشدار سازمان حزب توده ایران در سنج...

بقیه از صفحه ۴
سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جنازه‌های فرزندان بی‌گناه کشور را هیزم آتش هوسبهای پلید خود نمایند. مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان! برقرار باد اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در جبهه متحد خلق سازمان حزب توده ایران شهرستان سنندج

کمک مالی به حزب توده ایران

فرانک از کرج	۲۰۰۰ ریال
ب. الف	۱۰۰۰ ریال
ر. و	۱۰۰۰ ریال
علی اشرف ن.	۵۰۰۰ ریال
مریم. الف	۳۰۰۰ ریال
کمال. الف	۲۰۰۰ ریال
مهرداد و مهرنوش	۸۵۰ ریال
خام ایران. خانه دار	۱۵۰۰ ریال
ف. سنگ کار	۲۰۰۰ ریال
نیم الف	۵۰۰ ریال
گروه ازدر	۱۰۰۰۰ ریال
حسین الف ازامل	۲۰۰۰ ریال
از کرج	۱۰۰۰۰ ریال

هلاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی منش و به شماره ۲۹۸۸ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی پیرواننده

تجهیز پاسداران...

بقیه از صفحه ۹

از بهترین فرزندان خود و به بهای تحمل فداکاریها و دشواریهای فراوان، جنایتکاران را ازبیشروی بازداشت.

در میان این خلق رنج دیده، ولی وفادار به انقلاب بزرگ خویش، در میان نیروهای مسلحی که آرام آرام در کوره جنگ آبدیده شدند، عناصر نالستوار را بدور انداختند و عدم آمادگی را ترمیم کردند، نسام و نقش سپاهیان پاسدار انقلاب، ایسن فرزندان دلیر و جانباز خلق انقلابی ما، جای بس بزرگ و نمایان دارد. آنها که، علیرغم کارشکنیهای عناصر لیبرال - که در طول دو سال پس از انقلاب چشم دیدن این بزرگی مسلح، ولی پر شور و فداکار خلق را نداشتند و برای انحلال آن به هر تلاشی دست میزدند، انقلاب را از خطرات پس عظیمی حراست کردند و از توطئه های مهلک رها نیدند، در پی تجاوز آمریکائی ارتش صدام حسین نیز بی محابا و باشجاعتی کم نظیری به مقابله برخاستند و از یکره های گلگون خویش در مقابل توطئه سد ساختند. آنها محاسبت متعارف جنگی صدام حسین و امپریالیسم آمریکا را برسم ریختند و نشان دادند که انقلاب ایران از چه پشتوانه عظیمی از نیرو، شور و امید برخوردار است. پشتوانه ای آنچنان غنی و سرشار از شور و انقلابی، که اطمینان میدهد انقلاب ایران از توطئه ها سربلند و استوار بیرون خواهد آمد و پیروز خواهد گشت.

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۹

تیراندازی دشمن به منطقه مسکونی آبادان دیروز (۱۸ دی)، ۲ باب خانه طعمه حریق شد، که بیدرتک توسط مامورین آتش نشانی برای خاموش کردن آتش اقدام شد. در همین اطلاعیه، تعداد تلفات نیروهای انقلاب در تهاجم پیروزمندانه ۱۵ دی ماه، ۱۰ تن شهید و ۲۶ تن مجروح اعلام شد. همچنین خبرگزاری پارس از جبهه گیلانغرب خبر پیروزی تازه نیروهای انقلاب را با اطلاع همگان رسانید. طبق این گزارش، در این جبهه نیروهای انقلاب از زمین و هوا، دشمن را زیر آتش قرار دادند و ۱۰ دستگاه تانک دشمن را نابود کرده و ۶۰ تن از آنان را بهلاکت رساندند. فرمانده عملیات غرب پیشروی

توضیح و تصحیح

در «نامه مردم» شماره ۳۲۹، در مقاله «برکارگران ایران چه میگذرد»، از جمله آمده بود: «... تلمبهخانه گاز و موکت سازی ایسر مورد حمله دشمن قرار گرفته و بکلی منهدم شده...»

این تجربه، برای انقلاب، اهمیت عظیمی داشت و دارد. این آزمون دیگری برای سپاهیان پاسدار انقلاب در نبرد بیامان جمهوری اسلامی ایران با دشمنان توطئه گرش، به سرکسردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا بود.

از روزهایی که انقلاب ایران در کوجه و خیابان شکل می گرفت و از درون خود نیروی خلقی را به محفلت از خویش بیرون میداد و متشکل میساخت و از روزهایی که این نیروی مسلح خلقی در سنگرهای خلق شکل گرفت، در تسخیر پادگانهای ارتش شاه منفور مسلح گردید تا به امروز، آزمونهای متعدد و خونینی در مقابل سپاهیان پاسدار انقلاب قرار گرفته، که هر یک، خلق و مسئولان

آنها به اهمیت عظیم این نیروی فداکار خلقی برای حفظ و حراست از انقلاب ایران، مطمئن تر ساخته است.

نفت پاسداران انقلاب در پیگرد و سرکوب ضد انقلاب توطئه گری، دستگیری و مجازات ساواکیها و وابستگان مزدور رژیم منفور پهلوی، برای انقلاب ایران پس از زنده بوده است. سپاهیان پاسدار انقلاب در شکست تمامی توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی، نقش برجسته ای داشته اند بیشترین شهدا را در راه حفظ انقلاب اهدا کرده اند. در طریس آنها حاضر بودند، در ۱۸ تیر راه کودتاگران را سد کردند و در ۳۱ شهریور، دوشادوشی دیگر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و در کنار خلق فداکار و انقلابی، راه

رزمندگان انقلاب را عالی توصیف کرد. خبرگزاری پارس همچنین گزارش داد: عملیات با حمایت آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و بسا همکاری هوای پیروز، انجام کامل نیروهای ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی، ژاندارمری و دیگر نیروهای مدافع اسلام، انجام گرفت.

خبرگزاری پارس به نقل از بخشداری کرد اطلاع داد که شب ۱۸ دی ماه، فدائیان امام در يك حمله چریکی در دشت زهاب ۳ دستگاه تانک نیروهای صدام مزدور را منهدم کردند و ۳۰ تن از دشمنان انقلاب اسلامی را به هلاکت رساندند و ۵۰ تن از آنان را مجروح کردند، و مقدار زیادی مهمات دشمن به غنیمت گرفته شد. گزارش دیگری حاکیست که مدافعان انقلاب در منطقه «بره»

با پوشش از خوانندگان، یادآور می شویم که: «در ایسر تلمبهخانه نفت وجود دارد، نه گاز. در ضمن طی حمله تجاوزگران صدامی، فقط به موکت سازی خسارت و تلفاتی وارد شده و تلمبهخانه نفت آسیبی ندیده است. * *

بر لشکر جرار صدام بستند. تجربه غنی دوساله گذشته نشان داد که خلق و مسئولان انقلابی در اعتماد به این نیروی خلقی و مخالفت قاطعانه با توطئه های لیبرالها علیه سپاهیان پاسدار انقلاب، به خطا نرفته اند. این امتنان و اعتماد خلق انقلابی، در قانون اساسی و قانون اخیر مصوبه مجلس شورای اسلامی، که سپاهیان انقلاب را بعنوان بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، قانونیت بخشیده، منعکس گردیده است.

تجربه دوساله اخیر همچنین نشان داد که عدم تجهیز این نیروی قابل اعتماد خلق و تسلیم شدن به کارشکنی های لیبرالها در این مورد، چه زیانهای بزرگی بر امر دفاع از انقلاب وارد ساخته و میسازد. ضرورت تجهیز کامل نیروهای پاسدار انقلاب، بر اساس همین تجربه بارها و بارها در سخنان رهبر انقلاب، امام جمعه تهران، رئیس مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر منکس گشته است. اقداماتی نیز در این جهت صورت گرفته است، که البته هنوز کافی نیست.

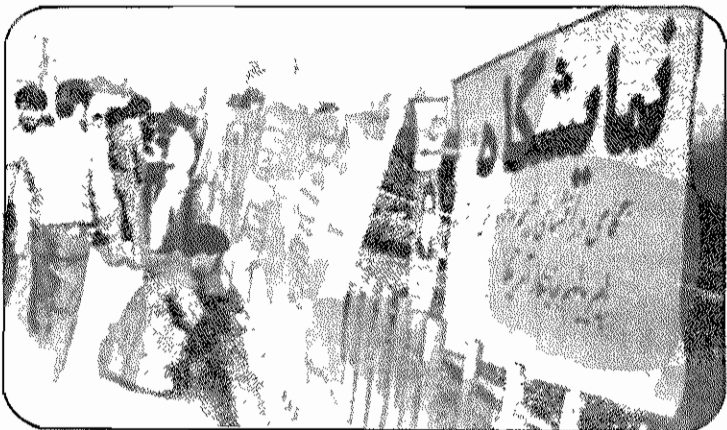
پاسداران انقلاب به مثابه بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، که به سبب خویش امتحان خود را در دفاع شایسته و دلیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران داده اند، باید از هر نظر و بویژه به سلاح سنگین مجهز گردند و به فنون پیشرفته نظامی، آشنا شوند. چنین اقدامی تنها بسود انقلاب و بسود حفظ آن از دستبرد امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنست.

آفتاب، در گیلانغرب، ۴ کیلومتر دشمن را از مواضع خود عقب راندند و در منطقه پیشروی کردند. همچنین در منطقه زهاب-قصر شیرین- جبهه های کوروش- پازی دراز- دانه خشک و قراویز، نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران موفق به عقب راندن دشمن شدند.

ورود دومین گروه اسرایی عراقی به تهران خبرگزاری پارس، صبح دیروز اطلاع داد، که دومین گروه اسرایی ارتش عراق که در جریان حمله پیروزمندانه نیروهای انقلاب به متجاوزین در روز ۱۵ دیماه به اسارت درآمدند، وارد تهران شدند. این گروه متشکل از ۲۸۰ تن از اسرای صدامی بودند. دسته اول اسیران عراقی که شامل ۵۰۰ اسیر می شد روز ۱۷ دیماه وارد تهران شده بودند.

در «نامه مردم» شماره ۴۰۸، ضمن گزارشی که از کارخانه چیت تهران درج شده بود، تعداد کارگران زن این کارخانه اشتباها «کمتر از هزار نفر» ذکر شده، در حالی که رقم درست «کمتر از صد نفر زن، اتم از کارگر و کارخانه» است.

جلوگیری از نمایشگاه افشای جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام در ماسال



در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۵۹، طرف اعصاب و هواداران حرسوده ایران در ماسال - استان گیلان، نمایشگاه عکسی با عنوان "گامی در افشای جنایات رژیم مزدور بعثت عراق و امپریالیسم آمریکا" برپا شد که با استقبال گرم مردم روبرو گردید. اما با کمالات تاسف و تعجب، ظهر همانروز نماینده حاکم شرع این منطقه، بهمراه چند نفر به محل نمایشگاه آمدند و بدون توجه به محتوای آن، عکسهای نهادهای جنگ و اسناد مربوط به جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را آره کردند.

اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ماسال، که به نیروی از منشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران همواره در حمایت از انقلاب شکوهمند مردم ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی کوشیده اند، ضمن اعتراض به این عمل امیدوارند که از تکرار چنین اعمالی که ضدا نقاب میریزد، جلوگیری شود.

ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان اسلحه، ارز و مواد مخدر قاچاق می کند

عوامل ضدانقلاب که سعی می کنند کانون جدی بحران و درگیری دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران بیدار آورند، فعالیت های تخریبی خود را در سیستان و بلوچستان در همه زمینه ها تشدید کرده اند. از جمله زمینه های فعالیت این عناصر وابسته به آمریکا، قاچاق ارز، مواد مخدر و اسلحه در این منطقه است.

اخبار رسیده از شهرهای مختلف این استان حاکی است که در حال حاضر خرید و فروش ارز مخصوصا هزار تومانی ایرانی در زاهدان و دیگر شهرهای استان، از قبیل زاهد، وجاه سهار، وسیع جریان دارد. و آنگاه صرافی های راه دادن تعطیل شده است. لیکن خرید و فروش ارز در نواحی مختلف شهر، از جمله ترمینال اتوبوس های راه دادن و توسط فروشندگان سیکارادامه دارد. در اس میان خرید و فروش هزار تومانی ایرانی برای خرید حسی اراخار مخصوص اردویی و همچنین خرید و فروش سول افغانی و پاکسازی با زار گرمی دارد. مخصوصا سول هزار افغانی، که تا ۲۶۰ تومان و یکصدی پاکسازی، که حدود ۱۲ تا ۱۵۰ تومان، خرید و فروش می شود. عوامل ضدانقلاب از طرف دیگر قاچاق مواد مخدر در ابعاد گسترده تری داده اند. در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۵۹، گشتی های ساه پاسداران با حاجی مسلح در نواحی کلاته کامبوزی را دستگیر کردند. در این عملیات قاچاقچیان چندین بار بر روی

با سدا رها آتش نشودند. ولی پاسداران انقلاب با هوسبازی کامل مانع فرار آنها شدند. ما موران ناحیه ۱۱ از نداداری سیستان و بلوچستان نیز در آبان ماه ۱۳۵۹ با تلاش های فراوان موفق شدند که مقادیر زیادی سلاح جنگی، مهمات، هروئین، تریاک و کالاهای قاچاق دیگر را از سارقین و قاچاقچیان کشف و ضبط کنند. همچنین ۳ نفر از عمال ضدانقلاب که خود را به شکل پاسداران انقلاب در آورده بودند و مقدار ۲ کیلوگرم گرم حشیش، ۲ گرم هروئین، ۲ قبضه اسلحه برنوو رولور و مبلغ ۴۵۰۰ تومان وجه اخاذی شده همراه داشتند، توسط گروه تحسین کلاسنتری مرکز زاهدان ساسایی و دستگیر شدند. بر اساس همین گزارش ها، در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ نیز ما مورین کسب کلاسنتری مرکز زاهدان در سارسی از یک اتومبیل سواری مرسدس بنس حامل ۶ سرسین، که در مقابل هتل هامون، بارک شده بود، مقدار ۳ کیلوگرم حشیش، را که، با دمب حاساری شده بود، کشف کردند. سرسین اس ماشین دستگروردانی شد.

طبقه کارگر

ایران،

در افزایش

تولید،

ترمیم

خسارات

جنگ

و دفاع

در جبهه،

پیشقدم

است!



و در سایه کمکهای اترانسونالیستی، کلاسهای دانشکده پزشکی پنومین، با همت دانشجو آغاز به کار کرد. بیش از ۲۰۰۰ بیمارستان و مراکز خدمات درمانی در شهرها و روستاها ایجاد گردید.

مردم کامبوجیا همزمان با این پیروزیهای استقلال آفرین، با توطئهها و تحریکات مسلحانه دستبروردگان برتریطلبان چین و امپریالیسم آمریکا نیز روبرو هستند. امپریالیستهای آمریکایی و برتریطلبان چین از طریق مسلح-ساختن و تمرکز ۴۰ تا ۷۰ هزار مزدور پول بوتیست در مرز تایلند - کامبوجیا، به کانسون داغ تسخیر فرای در منطقه جنوب شرقی آسیا دامن میزنند.

همروند با عادی شدن زندگی کشور و شالوده ریزی نظام حکومتی، کامبوجیادرتدارک شرایط ضرور برای شرکت وسیع مردم در انتخابات عمومی مجلس ملی، بر گزینی هیئت عالی قانون گذاری و هیئت های اداره کننده ملی پسر می برد. بزودی بحث همگانی پیرامون طرح نخستین قانون اساسی، که از آن جمله بر مدیریت اقتصاد برنامه ریزی شده سوسیالیستی تاکید دارد، آغاز میشود.

خلق کامبوجیا، در پرتو کمک های اترانسونالیستی، با گامهای تندپویه، برپای ماندگی های موجود غلبه میکند. در این رهگذر، یاری های موقع اتحاد شوروی و ویتنام سوسیالیستی با ارسال جمعا ۴۲۰۰۰ تن مواد غذایی نقش تعیین کننده در سر نوشت کشور داشت.

بدینسان همبستگی جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلحدوست و مترقی جهان با خلق کامبوجیا، ضامن مطمئن کامیابیهای چشمگیر در راه ساختمان سوسیالیسم در کامبوجیا است.

ضربات را از ناحیه پول بوتیست ها متحمل شده بود. برای نمونه ۹۰ درصد کارگران راه آهن و هفتاد درصد کارگران نساجی کشته یا ناپدید شدند. از اینرو کشور، از جهت نیروی کار ماهر و مواد خام، با کمبود جدی روبرو بود. با اینحال، بیش از پنجاه واحد صنعتی بازسازی و آغاز به تولید کرده اند. سال گذشته ۲۹ میلیون کیلووات ساعت برق، در حدود ۳۰۰۰۰ تن آرد و ۱۲۰۵ تن صابون تولید شده است.

در گستره کشاورزی نیز پیشرفتهای چشمگیری صورت گرفته است. سال گذشته، محصول یک میلیون هکتار اراضی زیر کشت برداشت شد. محصول برنج نسبت به سال ۱۳۵۷ دوپست و پنجاه درصد افزایش تولید نشان میدهد.

در آموزش و فرهنگ زوال یافته کشور، اصلاحات بنیادی صورت گرفت. پس از ۴ سال تعطیل مراکز آموزشی و بازگشایی مجدد آنها، در سال ۱۳۵۸-۱۳۵۹ با فراخوان ۱۵۶۰۰ آموزگار و کادرهای بتازگی تربیت شده، یک میلیون دانش آموز به بیش از ۱۳ هزار کلاس آموزش دوران ابتدایی راه یافتند. مدارس متوسطه و دانشکده ها هم شروع به تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان کردند.

چیرگی بر معضلات و درمان زخم های تن و جان ۴ میلیون انسان، که دوزخ مائوئیسم را پشت سر نهاده اند، تلاش های سترگی را می طلبد. در شرایط دشوار کمبود مواد غذایی و نیازهای اولیه و فقدان بهداشت و درمان، رسیدگی به وضع اسفناک کودکان، بویژه ۷۰ درصد کودکان بی سرپرست، تدابیر انقلابی را ایجاب میکند. دولت انقلابی خلق کامبوجیا گامهای مهمی در این سمت برداشت. برای کودکان بی سرپرست پرورشگاه تأسیس گردید.

به توصیه جبهه ملی آزادیبخش السالوادور: مردم السالوادور برای یک قیام عمومی آماده میشوند

نیروهای جبهه آزادیبخش «فرا بوندومارتی»، متشکل از نیروهای رزمنده انقلابی السالوادور، در پی حملات گسترده یک هفته اخیر خود علیه ارتش مزدور السالوادور، یک هواپیمای نظامی رژیم راه که روستایان بیکنه را مورد بمباران قرار میداد، سرنگون کردند. پارتیزانهای السالوادور نیز در شمال کشور، ضمن دفع حملات نظامیان السالوادور، که بوسیله مستشاران آمریکایی رهبری می شدند، ضربات شکننده ای به یگانهای ارتش وارد آوردند.

از سوی دیگر، سازمان مذهبی السالوادور جنایات رژیم دست نشانده کشور علیه مردم بیکنه را محکوم و اعلام کرد: «مردم حق دارند علیه یعدالتی اقتصادی و سیاسی، سر به شورش بردارند». در این میان، رادیوی مخفی جبهه آزادیبخش ملی «فرا بوندومارتی» به مردم توصیه کرد که برای یک قیام عمومی آماده شوند. این توصیه در حالی است که مزدوران سوموزا، دیکتاتور معدوم فیکار گوته، برای کمک به ارتش رژیم دست نشانده السالوادور، وارد این کشور شده اند. همچنین در پی کشته شدن چند آمریکایی در السالوادور، پاره ای از محافل آمریکایی لاتین گفتند: «گروههای تروریستی دست راستی میخواهند با این اقدامها مداخله نظامی مستقیم آمریکا را در جنگ داخلی کشور توجیه کنند».

نژادپرستان
آفریقای جنوبی،
باردیگر آنکولا
را مورد حمله
قرار دادند

آغاز کار کنفرانس مربوط به استقلال
نامیبیا در ژنو
* نژادپرستان آفریقای جنوبی، سعی در به شکست کشاندن کنفرانس دارند.

کنفرانس مربوط به استقلال «نامیبیا» در ژنو، کار خود را آغاز کرد. گورت والد هایم، دبیر کل سازمان ملل در سخنرانی خود اظهار امیدواری کرد که این کنفرانس راه را برای استقلال نامیبیا باز کند. در این کنفرانس سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو)، تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا، و نمایندگان آفریقای جنوبی و نیز نمایندگان از سازمان ملل متحد حضور دارند. رژیم آفریقای جنوبی نیز دست نشاندهگان خود را در نامیبیا بعنوان احزاب داخلی کشور وارد کنفرانس کرده است. «سواپو» اعلام کرده است که در این کنفرانس تنها آفریقای جنوبی را برسمیت می شناسد. رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از ابتدای کار کنفرانس تلاش خود را برای به شکست کشاندن کار آن آغاز کرده است.

نیروهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی باردیگر به خاک آنکولا حمله کردند. سربازان آفریقای جنوبی در حملات چند روز اخیر خود به خاک آنکولا، دهاتن از غیر نظامیان را کشتند و چند کارخانه و کشتزار را نابود کردند.

پس از پیروزی انقلاب آزادی بخش آنکولا، امپریالیسم و متحدانش و بخصوص رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، برای جلوگیری از رشد انقلاب آنکولا و نابودی حکومت انقلابی آن، همواره این کشور را مورد یورشهای رخنه خیز خود قرار داده اند.

تانک و دیگر افزار جنگی تحویل رهبران «مبارزان» شد. بر اساس اطلاعات رسیده، سادات از اوایل دی ماه اسل آغاز فعالیت برای جمع آوری پول جهت خرید و تحویل جنگ افزار به «مبارزان» افغانی را اعلام کرده است.

کمک های نظامی سادات به «مبارزان» افغانی افزایش یافت

زندگی نوین در کامبوجیا

۴۰۰۰۰ شهروند شده و با وجود دشواریهای بسیار، دهها کارخانه، فرودگاه، خطوط راه آهن، خدمات مراسلاتی و دیگر تسهیلات ضروری ایجاد گردیده است.

خلق کامبوجیا در زمینه اقتصادی نیز کامیابی های گرانقدری بدست آورده است. دولت خلقی اهرمهای مهم اقتصادی را در عرصه صنعت، تجارت خارجی، بانکداری، ترابری و دیگر شاخه های کلیدی اقتصاد در اختیار دارد. اکنون با اجرای برنامه ضربتی تربیت کادر ملی در زمینه بانکداری، نظام پولی کشور احیاء گردیده است.

چرخهای تولید فعالیت خویش را در شرایطی آغاز کردند که طبقه کارگر مرکب ترین

۳۰ دی ماه ۱۳۵۹، روز استقلال کامبوجیا، روز پایان یافتن تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و روز جشن ملی خلق کامبوجیاست. امپریالیسم آمریکا طی پنج سال (۱۳۵۹-۱۳۴۸) دخالت ویرانگر و خونبار خود، با فروباریدن میلیون ها تن بمب بوسیله هواپیماهای ب-۵۲، بیش از ۹۰۰۰۰۰ تن از مردم کامبوجیا را بقتل رساند، ۸۰ درصد کلیه واحدهای صنعتی، جاده ها و خطوط راه آهن و حدود ۷۰ درصد از اراضی حاصلخیز و بارآور را ویران ساخت و دوسوم دامها را نابود کرد.

بدینسان با سقوط رژیم دست نشانده لون تول و پایان یافتن دخالت تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، رژیم پول بوت - ینگساری زمام امور را بدست گرفت. ولی این رژیم جنایتکار نیز به پیروی از سیاست برتری طلبان چین و اجرای آرمون های دهشتناک مائوئیستی، ۳ میلیون تن را قتل عام کرد، واحدهای فعال صنعتی را بکلی از تولید بازداشت، مراکز آموزشی را تعطیل کرد، شهروندان را به روستاها گسیل داشت و کشاورزی را به نابودی کشاند. در یک کلام، اقتصاد قرون وسطایی را بر کشور حاکم ساخت. تا آنکه سرانجام، روز ۱۷ دیماه ۱۳۵۷، در پی قیام مسلحانه مردم کامبوجیا، کشور آزاد شد و «شورای انقلابی خلق» به حکومت دست یافت. اینک دستاوردهای موفقیت آمیز خلق کامبوجیا، باید در پرتو این تجاوزات و ویرانگری های امپریالیسم آمریکا و مائوئیست های چینی و کامبوجیایی بررسی شود:

شهر پنومین، پایتخت خالی از سکنه رژیم تبهکار پول بوت، بعد از بازسازی، پذیرای



سامرین رهبر کامبوجیا:

کرسی کامبوجیا در سازمان ملل متحد باید به نمایندگان واقعی مردم کامبوجیا سپرده شود

* نماینده لائوس در سازمان ملل متحد: مسخره است که کرسی کامبوجیا در اختیار جنایتکارانی که تحت تعقیب هستند، قرار گیرد.

نماینده لائوس در سازمان ملل متحد، در پیامی برای گورت والد هایم، دبیر کل این سازمان، اقدامهای دارودسته خون آشام پول بوت - ینگساری راه، که با حمایت امپریالیسم آمریکا و مائوئیستهای پکن، میخواهند خود را بعنوان نمایندگان قانونی (!) مردم کامبوجیا جا بزنند، شدیداً محکوم کرد. نماینده لائوس گفت: «افرادی که بعزت قتل عام ۳ میلیون تن از هموطنان خود بعنوان جنایتکاران بزرگ تاریخ تحت تعقیب هستند، مسخره است که خود را نماینده همان مردم جا بزنند».

نماینده لائوس افزود: «باید تدابیر مقتضی اتخاذ شود تا شورای انقلابی خلق کامبوجیا تنها نماینده قانونی مردم این کشور، بتواند این نمایندگی را در سازمان ملل متحد اعمال کند».

در همین حال، هنگسامرین، رهبر کامبوجیا، در نطقی بمناسبت دومین سالگرد پیروزی خلق کامبوجیا بر دارودسته جنایتکار پول بوت - ینگساری، گفت:

«بزودی انتخابات عمومی در سرتاسر کشور برگزار می شود».

وی تاکید کرد: «طرح قانون اساسی جدید در دست تهیه است و برای بحث در سرتاسر کشور منتشر می شود».

هنگسامرین همچنین افزود: «کامبوجیا خواهان روابط حسن همجواری با تایلند و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی است و مایل است این منطقه به منطقه صلح تبدیل شود».

هنگسامرین در نطق خود، برای چندمین بار تاکید کرد: «کرسی کامبوجیا در سازمان ملل متحد باید به نمایندگان واقعی مردم این کشور سپرده شود».

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نامه هروم
از گان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»)
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM

No. 415
10 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۳۵۵۱/۴۱، منطقه
۱۴ پستی تهران